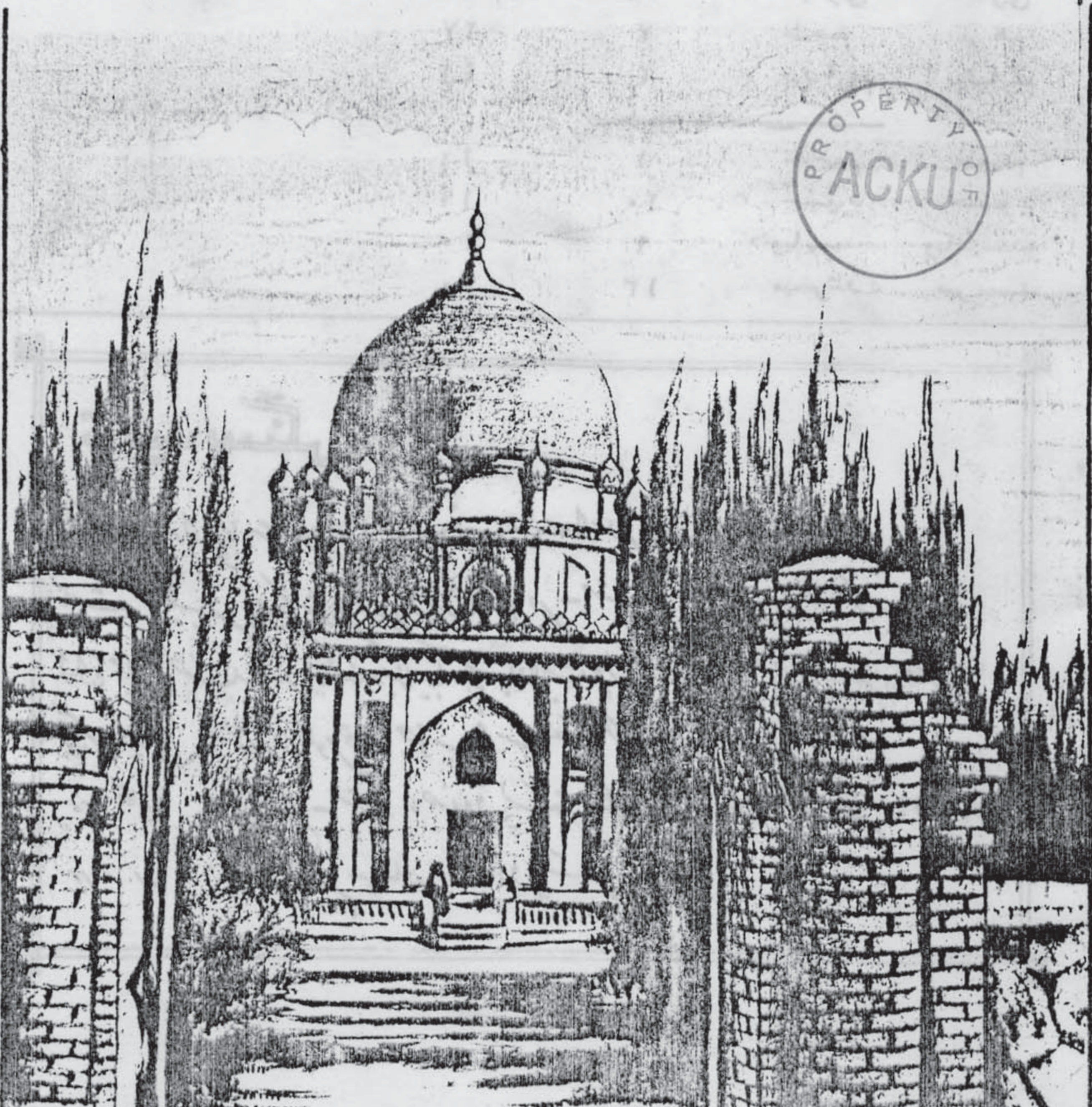


نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین

سنگر

ارگان نشراتی شورای مرکزی ارشاد جهادی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان

سال اول - شمارهٔ چهارم ۲۰ میزان ۱۳۶۷ برابر با (۱۲ اکتوبر ۱۹۸۸ م)



یکی از آثار باستانی ولایت قندهار «افغانستان»

بسم الله الرحمن الرحیم

جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ

با مشرکان جهاد کنید، با مالتان ونفستان وبا زبان های تان. «پیامبر اکرم (ص)»

تصحیح ضروری :

در شماره دوم ۲۰ اسد :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۶	۱۴	تجارتی	تجارتی
۲۷	۷	ملحم	مرهم
۴۱	۴	برد ارغم	نزبارغم

در شماره سوم ۲۰ سنبله :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۹	۱	تصمیم	تعمیم
۱۹	۱۰	جهود	جسود
۲۰	۹	وبابست	وبالیست
۳۰	۱۳	میسر شده	میرسد

توحید سنگر

ارگان نشراتی امارت عمومی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان.

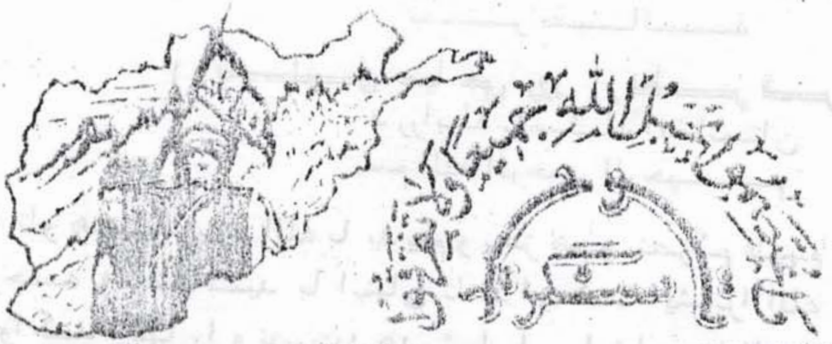
ناشر : کمیسیون فرهنگی شورای مرکزی ارشاد جهادی - مشهد «به همکاری هیئت تحریر».

اداره مجلهٔ توحید سنگر نیازمند رهنماییها، پیشنهادات وانتقادات سالم هر برادر وخواهر مسلمان است.

آدرس داخلی : امارت عمومی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان.

« خارج : ایران - مشهد، صندوق پستی ۴۸۴۴ - ۹۱۳۷۵ تلفن ۵۲۷۳۰

« « : پاکستان - پشاور، صندوق پستی (۱۲۵).



ارگان نشراتی شورای مرکزی ارشاد جهادی حوزه جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان

سال اول - شماره چهارم ۲۰ میزان ۱۳۶۷ برابر با (۱۲) اکتوبر ۱۹۸۸ م

مطالب	صفحه	مطالب	صفحه
تحلیل سیاسی روز . . .	(۴ - ۷)	نهضت اخوان المسلمین	(۴۳ - ۴۵)
میلاد مسعود	(۸ - ۱۰)	یادوارهٔ شهدا	(۴۶ - ۴۹)
شیعه سنی و	(۱۱ - ۱۵)	گزارشات جهادی . .	(۵۰ - ۵۲)
پاسخ امیر عوض . . .	(۱۶ - ۱۹)	افشای چهرهٔ . . .	(۵۳)
پیرامون اصلاحات . .	(۲۰ - ۲۳)	راست داستان چراغ . . .	(۵۴)
طب و صحت مردم	(۲۴ - ۲۸)		
جلوه گاه شهرو . . .	(۲۹ - ۳۴)		
عقیده بوجود . . .	(۳۵ - ۳۷)		
یک قصه از هزاران . .	(۳۸ - ۴۰)		
هجرت به مدینه . .	(۴۱ - ۴۲)		

رویداد های هفته

۲۵ سنبله ۱۳۵۸ - سومین کودتای روسی در افغانستان و بقدرت رسیدن حفیظ لعین.

۳۱ - سنبله ۱۳۵۹ - آغاز حملهٔ همه جانبهٔ ارتش مزدور بعث عراق به کشور برادر جمهوری اسلامی ایران.

۱۲ - میزان ۱۳۵۷ - قیام مردم مسلمان نورستان.

سـرمقـالـه

(تحلیل سیاسی روز از نظر قرآن)

در رابطه با مسئله افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

(قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مومنین)
ترجمه (جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشانرا الله (ج) بدستهای تان و رسوا کند آنها را و نصرت دهد شما را بر ایشان و شفا دهد سینه های قوم مومنان را) قرآن کریم .

تا و متی که هر روز ابعاد آن در کشور انقلابی ما افغانستان عزیز افزوده میشود و شوروی را در موقعیتی غیر قابل دفاع از حیثیت سیاسی ، نظامی و اخلاقی قرار داده ، نتیجه ای مقاومت و قتال صرف نیست ، بلکه ثمره ای جهاد با هدفیست که خداوند مومنان را بخاطر احیای روحیه ای حق طلبی و ایجاد حکومتی که بتواند قوانین و مقررات حقهٔ اسلام را بخاطر برقراری عدالت در بین بشریت برقرار کند ، بر امت مسلمه واجب نموده است اینکه خداوند (ج) میفرماید :
(قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم) وانمود میسازد که وقتی شما ملتی سرافراز و سربلند درجهان خواهید بود که کفر و استعمار را با قوت جهاد و مبارزه و بدست گرفتن ابتکار عمل ذلیل ساخته و نگذارید که بالای شما بتازند و خوشبختانه ملت مومن ما با قامت رسا توانستند با قدرت ایمان طی ده سال مقاومت در مقابل ابر قدرت شرق مقاومت نموده و آنرا به شکست قطعی مواجه سازند .

آیا آنچه که امروز در سرزمین مرد خیز افغانستان از یکطرف و درجهان از طرف دیگر در رابطه با حضور شوروی در کشور ما میگذرد مؤید مطلب فوق نیست ؟

آیا آنچه که بر پایهٔ واقعیات جاری میتوان گفت روسیهٔ شوروی همه روزه که از عمر کثیف تجاوزش بر کشور ما میگذرد ، بیشتر در باتلاق کشور ما فرو نمیرود ؟

آیا سردمداران کرملین میتوانند جهت تدارک حیثیت از دست رفتهٔ سیاسی اخلاقی خود اعمال ننگین خود را در رابطه با کشور انقلابی ما به نسبت دادن تجاوز به برژنف که دوره اش را دوره ای سکون و رکود سیاست مارکسیست می خوانند ، توجیه نمایند ؟

و آیا از طریق برکنار نمودن افرادی از کدر رهبری حزب کمونیزم روسیه ، اعمال ننگین شان که همانا ثمره ای واقعی عقیدهٔ مارکسیست ، لینینست میباشد توجیه پذیر است ؟

جواب سوالات فوق را قرآن عظیم الشأن ، این کتاب آسمانی چه زیبا میفرماید :
(اذ تبرا الذین اتبعوا من الذین اتبعوا و راوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب)
ترجمه (در آن حالت که بیزار شوند متبوعان کفار از آن کسانیکه پیروی ایشان کردند و ببینند عذاب را و بریده شود از ایشان وسایل " محبت و قرابت ")

که واقعا " تجسم عینی و ملکوتی اش همین اختلاف سردمداران ملحد کمونیزم

کرملین در خصوص تجاوزشان به افغانستان و هر یکی دیگرش را مسئول قرار دادن در رابطه ای فوق است، روسها که امروزه در موقعیت پیچیده ای گرفتار آمده اند موقعیتی که اگر بگوئیم نه راه پیش دارند نه راه پس، اغراق نکرده ایم، رابطهٔ انترناسیونالزم سوسیالستی و محبت حزبی خود را از شدت عذاب الهی که بوسیلهٔ مجاهدین مسلمان و قهرمان افغانستان از جانب خداوند قهار بر آنها مسلط شده، فراموش کرده، روزی بجان مزدوران بی اراده ای خود در افغانستان افتادند عده ای آنها را کشتند، تعدادی را از کار برکنار نموده و تحت نظارت خود محبوس کردند و زمانی هم عده ای از سران حزب جهنمی خود را از قبیل برژنف و آندره پوف و ... راهی جهنم نمودند و در این روزها هم شاهد کنار زدن چند نفر از کادر رهبری حزب کمونیزم شوروی هستیم که بحق نتیجهٔ مقاومت و مجاهدهٔ همین پابرهنه های با ایمان افغان و نصرت الهی بوده و هنوز هم ایشانرا ذلیل تر خواهند ساخت، روسها فکر میکردند که افغانستان بمدت خیلی کمی، پل خوبی برای شان جهت عبور بمناطق دیگر خواهد شد، اما نمیدانستند که ملت با ایمان و با خدا باساس و جبههٔ شرعی و دینی خویش ذلت را قبول نکرده و تا آخرین رمق حیات از مقدسات دینی و کشوری خود دفاع میکنند، همین بود که از لحاظ نظامی با مقاومت دامن گستر مردم روبرو شدند و از نقطهٔ نظر سیاسی طوریکه از انظار جهانی پوشیده نیست، شدیداً شکست خورده و زیر فشار افکار عمومی جهان قرار گرفتند و از نظر اخلاقی روسها در بین ملل مسلمان و جهان هیچ گونه توجیهی برای اعمال ننگین خود ندارند، لذا بخاطر متوجه ساختن افکار عمومی و سرگرم نمودن قهرمانان جهادی به مذاکرات صلح بدلحاظ اینکه شاید بتوانند حیثیت ازدست رفتهٔ سیاسی، اخلاقی خود را در جهان با خسارات نظامی کمتر، دوباره احیا کنند، مسئله پس نشستن از افغانستان یعنی اعتراف به شکست خود را از زمان آندره پوف که بعد از برژنف بر اریکهٔ قدرت نشست، از طریق سازمان ملل متحد عنوان کردند، حتی بعد از روی کارآمدن آندره پوف از طریق دیپلمات های غربی و سائر منابع وابسته به استعمار چنین شایعه شد که آندره پوف از ابتداء مخالف حضور نظامی شوروی درافغانستان بوده است، و چندین بار نظر خود را با برژنف در این زمینه در میان گذاشته و خواستار بازگشت آنان از افغانستان شده است و بعد از آن که گرباچف قدرت سیاسی را بدست گرفت با چهره ای حق بجانب تر وارد صحنه شد، گرباچف که ست
تجربهٔ ده ساله از نیروی ملت مجاهد ما و شکست روسها در افغانستان داشت، خواست که نهضت اسلامی و ارادهٔ پولادین مجاهدین قهرمان و ملت با ایمان ما را از راه های دیگر که خطرناکترین راه ها و راه انقلاب اسلامی ما محسوب میشود عقیم کند، از قبیل راه حل سیاسی، تشکیل جبههٔ ملی پدر وطن و وزارت قبائل و اقوام تا بتوانند ملیت های مختلف مومن افغان را علیه همدیگر بسیج کند و همچنین طور تشکیل وزارت شئون اسلامی و امثالهم، اما امروز که ملت ما مدت ده سال در دانشگاه جهاد و مبارزه و مقاومت علیه استعمار آبدیده شده اند و با تجارب تلخ بیدارگی نمود..

حل سیاسی در بعضی از نهضت ها و انقلاب های جهانی از قبیل انقلاب اسلامی ملت فلسطین آشنا شدند ، بعید است که فریب این ترفند های سیاسی را بخورند و یقین دارند که تنها راه پیروزی شان ، راه جهاد و مبارزه است و بس ، لاکن گرباچف که هنوز از پخته گی انقلاب و نهضت اسلامی ما آنطور که هست آگاه نبود به اینکه میتوانند از راه حل سیاسی از یکطرف خود را ازین منجلاب نجات دهد و از طرفی نفوذ موثر سیاسی در آینده افغانستان داشته باشد ، خوشبین بود که نتیجهٔ این خوشبینی اش منجر به امضای قرارداد ژنیوا پیرامون معضلهٔ افغانستان گردید ، آیا محتوای چنین گفته ها و قرارداد ها را فرصت دادن به گرباچف برای بیرون کشیدن ارتش شوروی از گرداب افغانستان با سرپوش گذاشتن بر شکست میتوان تلقی کرد ؟ و آیا واقعاً روسها در گفته های خود صادق اند ؟

چنین برداشتی فکر میشود برخوردی شتا بزده باشد ، امروز که مدعی معکوس از آب درآمده ، گرباچف همه روزه در جستجوی بهانه ای جهت نقض قرارداد مذکور است علاوتاً گردن نهادن شوروی به خروج نیروهای نظامی اش از افغانستان به هیچ وجه مساوی با رها کردن این کشور از سوی شوروی نیست ، گرچه رهبران شوروی قبل از دیگران عدم پیروزی خود را احساس کرده اند و طبعاً تمایل به بیرون کشیدن نیروهای خود از افغانستان به خاطر سرپوش گذاشتن بر شکست خود دارند اما این راه حل را زمانی بطور کامل در دستور العمل خود ها قرار خواهند داد که از حضور سیاسی خود درین کشور مطمئن باشند ، یا به عبارت دیگر شوروی زمانی همهٔ نیروهای خود را از افغانستان خواهد کشید که از نفوذ موثر سیاسی خود در دستگاه اجرائی دولت آیندهٔ افغانستان اطمینان داشته باشد و تضمین های لازم را برای تثبیت آن در آینده نیز بدست آورد والا طوریکه در طول تاریخ به هیچ نوع تعهدی که منفعت صد درصد شان را تضمین نکرده باشد ، پای بند نبوده ، تعهد ژنیوا را ارزشی نه بدهد ، در حالیکه علت شروع جهاد مسلحانهٔ نفوذ سیاست بیگانه در کشور ما بود ، ملت مومن ما جهاد و مبارزهٔ خود را از وقت اشغال کشور شان توسط روسها شروع نکردند ، زیرا که جنگ ملت ما جنگ عقیده است ، و تا زمانیکه عقیدهٔ غیر اسلامی در افغانستان راه داشته باشد ، جنگ ادامه دارد و از طرفی طوریکه غرب و شرق میخواهند در مسائل جهانی توافق حاصل کنند ، ملت ها را از معادلهٔ شان خارج دارند که امروزه مسئله افغانستان را هم همان طور میخواهند حل کنند ، آیا میتوانند این ملت قیام را از معادله خارج کنند ؟

آیا سرنوشت ملتی که همه چیز را در راه عقیدهٔ خود فدا میکنند ، میشود قدرت های خارجی تعیین کنند و بدست خود شان تعیین نشود ؟

اگر امروزه روسیهٔ شوروی با تکیه بر نیروی نظامی وسیع در افغانستان دچار شکست شده ، در آینده بدون آن چگونه پیروز خواهد شد ؟ و قدرت های استعماری دیگر هم زیر سوال رونق است ، هرچند داشتن افغانستان برای شوروی

یک هدف استراتژیک تلقی میشود و حاضر است بهای سنگین را برای حفظ این کشور بپردازد ، اما پرداخت بهای سنگین در پای یک هدف استراتژیک هنگامی قابل تحمل است که پیروزی نهائی در افق آیندهٔ آن قابل رویت باشد و طوریکه روسها هم احساس کرده اند از بین آب گل آلود ماهی گرفته نمیتوانند ، اما حالا که ما شاهد شکست مفتضحانهٔ روسان پلید هستیم نهضت اسلامی ما درین شرایط حساس باید از هوشیاری انقلابی برخوردار باشد که انشاءالله هست و الا از خطر استعماری که در تاریکی نشسته و متوجه فرصت است و احیانا " به چهرهٔ دوست رخ می نمایاند ، مصئون نخواهد بود ،

امید است که نهضت ما طوریکه موفقانه پیشرفته ، خود را از دامن تفرق و تشتت و وابستگی های گوناگونی که در آینده تهدیدش میکند . برهانید و با هوشیاری کامل به سرمنزل مقصود و پیروزی کامل باشد ! رپر محتوای لا اله الا الله مستقل از استعمارگران روزگار به پای خود بایستد

و السلام .

(قاضی محی الدین " شکیبانی ")

گزارشات . . . .

از مزدوران وطن فروش نیز باسارت دلیرمردان لشکرتوحید درآمدند .

همچنان بتاریخ ۱ / ۷ / ٦٧ - مجاهدین فرقهٔ حضرت حمزه (رض) درمنطقهٔ محل ساربانها ، موفق شدند که یکعراده تانک دشمن زبون را منهدم و تمام سرنشینان آن را بهلاکت برسانند .

گزارش دیگری حاکیست : نبرد قهرمانانه ای بین لشکریان اسلام و قوای دشمن وحشی از منطقهٔ پل ملان تا درب قندهار ، بالای کمربند اول شهری در شهر خون و قیام مرات ادامه دارد .

درطی این نبردها ، ده تن از مجاهدین قهرمان ، مجروح گردیده اند .

گزارش دیگری حاکیست :

بتاریخ ٤ / ۷ / ٦٧ - مجاهدین قهرمان پایگاه حضرت خالد (رض) مربوط امارت عمومی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان درعملیاتی که بالای ولسوالی ادرسکن انجام دادند ، درنتیجه (۳) تن از نیروهای دولتی کشته دوتن زخمی و (۸) تن دیگر باسارت قهرمانان لشکرتوحید درآمدند .

گزارش میافزاید که بتاریخ مذکور بافیر موشکی مجاهدین بالای گارنیزیون وخاد مرکز جاسوسی دولت دست نشانده درادرسکن (۹) تن از نیروهای الحادی کشته و " ۱۰) تن دیگر زخمی گردیدند .

گزارش حاکیست که بازار ادرسکن بمدت پنج ساعت تحت کنترول مجاهدین بوده است .

(باامید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر جهانی)

میلاد مسعود

[illegible]

ختمی مرتبت

(پیامبر اکرم (ص))

قال الله تعالی فی کتابه الکریم : (هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) سوره جمعه

او است ذاتیکه بر انگیخت در میان مردم عرب پیغمبری از جملهٔ ایشان (یعنی مانند آنها امّی بود که سواد خواندن و نوشتن نداشت) که میخواند بر ایشان آیات خدا را و پاک می سازد آنها را (از دنس کفر و خبث عقائد و رذائت اخلاق) و می آموزد ایشان را قرآن و حکمت (احکام شریعت علمهای دین از معقول ومنقول اگر چه بودند این گروه پیش از بعثت پیغمبر اکرم (ص) در گمراهی آشکار .

خواجهٔ دنیا و دین گنج وفا　　صدر و بدر هر دو عالم مصطفی (۱)
آفتاب شرع و دریای یقین　　نور عالم رحمته للعالمین
پیشوای این جهان وآن جهان　　مقتدای آشکار او نهان
بعثت او سرنگونی بتان　　امت او بهترین امتان

آن ذات پر عظمت ، افتخار انسانیت ، صدر بدر کائنات ، خلاصه و تتمهٔ موجودات رحمت عالم و عالمیان ، سید الانبیاء و محبوب الرحمان ، الذی بعثه خالق الانس و الجان ، الماحی اثر الشرک و الطغیان ، و علم کتاب الملک المنان ، ارسل بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون .

شخصیت بس شامخ که زبان توصیف از محاسنش کوتاه و لایق چنان تمجید و تکریم است ، که به این گفته اکتفا نمائیم .

یا صاحب الجمال و یا سید البشر　　من وجهک المنیر لقد نور القمر
لا یمکن الثناء کما کان حقه　　بعد از خدا ، بزرگ توئی قصه مختصر

یکی از اعجاز عظیمهٔ این پیغمبر رحمت اینست که از هیچ کانون علمی بشری نیاموخته و بپای درس هیچ استاد و معلمی ننشسته و چنان به انسانیت و انسانها درس آموخته که نوابغ روزگار و دانش پژوهان بی شمار ، انگشت تعجب و حیرت گزیدند .

فیض ام الکتاب پرورد ش　　لقب امی خدای زان کردش
لوح تعلیم نا گرفته به بر　　همه ز اسرار لوح داده خبر
بر خط او اس[illegible] انس و جان را سر　　گر نخوانده است خط از آن چه خبر

＊ ＊ ＊ ＊ ＊

نگار من که به مکتب نرفت وخط ننوشت
بغمزه مسئله آموز صد مدرس شد

---

(۱) منطق الطیر .

و برای اینکه شمهٔ از تاریخ ولادت و بعثتش خدمت خوانندگان گرامی تقدیم کرده باشم، آنچه قبلاً از کتب معروفه یادداشت نموده بودم درین جا بعرض میرسانم؛

ولادت پیامبر اکرم (ص) در شب دوشنبه (۵ اگست) دوازدهم ربیع الاول سنهٔ (۵۷۱) میلادی سال معروف به عام الفیل بوقوع پیوست (سالیکه ابرههٔ بن الاشرم به کعبه حمله آورد) فاصلهٔ زمانی بین پیغمبر ما (ص) و حضرت عیسی علیه السلام (۵۷۱) سال. بین حضرت عیسی و وفات حضرت موسی علیه السلام (۱۷۱٦) سال. بین حضرت موسی و حضرت ابراهیم علیهما السلام (۵٤۰) سال، و بین حضرت ابراهیم و طوفان زمان حضرت نوح علیه السلام (۱۰۸۰) سال. بین طوفان و آدم علیه السلام (ابو البشر) (۲٤٤۲) سال.

نام پدر بزرگوارش عبد الله است و دو ماه قبل از ولادتش زمانیکه بطرف شام جهت تجارت میرفت، در راه مریض گردید، در بین راه مدینه بنزد خاله های خود "بنی النجار" وفات یافت و بجز پنج شتر و یک کنیز، ازآن چیزی باقی نماند.

عبد المطلب جد پیغمبر اکرم (ص) آنحضرت را بنا به تعامل و عادات اعراب برای (حلیمه بنت ذؤیب السعدیه) یکی از زنان (بنی سعد) سپرد، تا اینکه ضمن شیر دادن و شیرخوارگی، از رضاعت اخلاق و متانت اجسام و فصاحت لسان برخوردار گردد، در اثنای رضاعت آن حضرت (ص) کارهای غریبهٔ دیده میشد که در دیگر اطفال دیده نه شده است، در سن شش سالگی والدهٔ محترمه اش حضرت (آمنه) هنگامیکه بنزد خاله های خود (بنی النجار) به مدینه میرفت. مریض شد و بعد از بازگشت در (ابواء)(۱) وفات نمود.

بعد از آن حضانت آنرا (ام ایمن) بدوش گرفت و کفالتش بعهدهٔ عبد المطلب که جدش، و از رؤسای مکه بود قرار گرفت، و بعد از آن که دوسال کفالت نمود به سن (۱٤۰) سالگی وفات نمود و پسرش ابو طالب عموی پیغمبر (ص) سرپرستی او را بدست گرفت. زمانیکه پیغمبر (ص) به سن (۱۳) سالگی رسید، همراه عمویش ابو طالب به مسافرت شام رفت، ودر بین راه آنحضرت را در (بصری) یکی از علماء یهود تیماء بنام (بحیرا) قیل هو راهب نصرانی، دید و به ابو طالب گفت: (ان لابن اخیك شاٴنا فاحتفظ به) در وجود پسر برادرت نشانهای است، او را محافظت کن.

هنگامیکه به سن (۲۵) سالگی رسید، با اموال تجارتی حضرت خدیجه (رض) که هنوز ازدواج نکرده بود، بطرف شام رفت ودرین مسافرت (میسره) غلام خدیجه همراه پیغمبر (ص) بود، ودرین سفر مانند مسافرت قبلی که همراه عموی خود بود، راهب دیگری بنام (نسطور) او را دید وعلائمی را مانند بحیرا در وجود آنحضرت مشاهده نمود، و بعد از بازگشت از مسافرت پس از دو ماه عقد ازدواج حضرت

---

(۱) ابواء - نام قریهٔ است بین مکه و مدینه.

..پیغمبر اکرم (ص) و خدیجه الکبری صورت گرفت، و عمر پیغمبر (ص) در سن هنگام (۲۵) سال و عمر خدیجه بنت خویلد (٤٠) سال بود. اولادان حضرت پیغمبر (ص) تماماً از بطن حضرت خدیجه بودند، مگر سید نا ابراهیم که از ام المومنین (ماریه) قبطی میباشد.

حضرت پیغمبر اکرم (ص) به عمر (۳۵) بودند که در نهادن (حجر الاسود) بین قریش اختلاف بوجود آمد، و حکمیت را بکسی وا گذار کردند که اول در باب (صفا) وارد گردد، اولین کسی که وارد شد حضرت پیغمبر (ص) بود، و قضیه را به نحوی که سنگ را در بین چادر گذاشت و اطرافش را بدست روٴسای قبایل داد و بعد خودش سنگ را بجایش نصب کرد، حل و فیصله نمود و حضرت پیغمبر (ص) به صداقت و امانت مشهور و بنام محمد (امین) معروف بود.

در سن چهل سالگی روز دوشنبه (۱۷) رمضان، بنا به روایتی (٢٤) رمضان مبعوث بر سالت الهی گردید (۱) و اولین آیات که نازل شد، وقتی بود که در غار (حراء) تشریف داشتند، وآیات اول سورهٔ اسراء بود. و از ین به بعد، ورق زندگی عوض شده رفت، و دشمنان بعداً وین مختلف و ناجوانمردانه بر این درّ گران بها تاخت و تاز کردند، تا جائیکه فرمود: ما اوذی نبی بمثل ما اوذیت.

(هیچ پیغمبری به اندازهٔ که من اذیت شدم، آزار ندیده است) اما خداوند (ج) بکوری چشم دشمنان دین، رونق و پیشرفت او را وعده نموده ود را یفاء آن به اندك ترین فرصت لطفش را تبارز داد. سنه الله التی قد خلت من قبل و لن تجد لسنه الله تبدیلا. سورهٔ فتح

و در ین مورد به مثنوی مولوی رومی (رح) مرا جعه فرمائید.

من ترا اندر دو عالم رافعم	طاغیان را از حدیثت دافعم
رونقت را روز افزون میکنم	نامهٔ تو بر زر و بر نقره زنم
منبر و محراب سازم بهر تو	در محبت قهر من شد قهر تو
من مناره برکنم آفاق را	کورگردانم دو چشم عاق را
چاکرانت شهرها گیرند و جاه	دین تو گیرد ز ماهی تا به ماه
تا قیامت باقیش داریم ما	تو مترس از نسخ دین ای مصطفی
هست قرآن مر ترا همچون عصا	کفرها را درکشد چون اژدها
تو اگر در زیرخاکی خفته ای	چون عصا یش دان توآنچه گفته‌ای

مدت سیزده سال پس از بعثت در مکهٔ مکرمه تشریف داشتند، و بعداً در اول ربیع الاول از مکهٔ مکرمه بسفر هجرت شروع، و مدت سه روز در غار (ثور) و هشت روز دیگر در طول مسافرت گذرانید، و به دوازدهم ربیع الاول مطابق ٦٢٤- میلادی به (قباء) مدینهٔ منوره رسید، و مدت ده سال در مدینهٔ منوره، وظیفهٔ رسالت را انجام داد.

(ادامه دارد)

(۱) - سال ٦١١ میلادی.

بیانیهٔ رهبردانشمند جمعیت اسلامی افغانستان در مجلس توضیحی شورای نظار

شیعه و سنی، بلوچ و ترکمن، تاجیک و اوزبک، پښتون و نورستانی همه باید در ادارهٔ افغانستان سهم بگیرند

****

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین و لا عدوان الا علی الظالمین والصلوات و السلام علی من بلغ الرساله و ادا الامانه و فصح الامه و جاهده فی سبیل الله حق جهاده .

برادران عزیز !

جهادگران مومن !

مهاجران آواره و دور از وطن !

نمایندگان خیلی ها گرانقدر و عزیز ما، پیام آوران شورای نظار !

السلام علیکم و رحمته الله و برکاته و بعد :

گرچه امروز حرفهای دلنشین و صحبت های آموزندهٔ را که از زبان سنگر نشینان عزیز مان شنیدیم، باید ساعت های بیشتری برای شان موقع میدادیم که اینها بعنوان نمایندگان آرزوهای ملت بخون خفتهٔ ما، به عنوان ترجمانهای صادق انقلاب اسلامی ما در ارتباط با دستآورد های انقلاب عظیم و شکوهمند ما ن طولانی صحبت می کردند .

بهر حال با وجود صحبت های نیمه و کم که به علت کمبود وقت برادران گزارشی از دستآورد های نظامی و فعالیت های انقلابی برای ما و شما بیان کردند چیز های بسیار زیادی را آموختیم .

همه متوجه این حقیقت شدیم که به لطف خداوند (ج) دیگر امروز سنگر نشینان ما مجموعهٔ از تفنگداران بی هدف نیستند، بلکه اینها سپاهیان آگاه، دلسوز و انقلابی هستند که در سنگر های جهاد، خداوند بر ایشان ضوابط مستحکم و تربیهٔ عمیق دینی، بینش رسای سیاسی و آگاهی صحیح نظامی را اعطاء فرموده و به مصداق آیهٔ قرآنکریم که میفرماید: (والذین جاهدوا فینا، لنهدینهم سبلنا وان اللّه لمع المحسنین) براستی امروز در چهرهٔ این برادران در صحبت این سنگر نشینان ما و شما همه دیدیم که سنگر نشین ما را خداوند، در سنگرش آنچه را یاد داده است، که در [illegible] (دانشگاه) های نظامی، سال های طولانی هیچکس نمیتوانند به آن دسترسی یابند.

از زبان این برادران شنیدیم که تحلیل های سیاسی شان در ارتباط با قضایای جهانی در آن جای که جز دود و آتش و غرش میگ ها و راکت ها، چیز دیگری رانمیدیدند و نمی شنیدند، اما دیدیم که با چه عمق قضایای سیاسی را بررسی کردند، و میدانند که چه باید بکنند.

دورنمای نظامی و سیاسی کشور شان را عمیقاً" میدانند و می فهمند که چه کاری باید انجام دهند و چه نوع برخوردی با دشمن داشته باشند.

در برابر همه در برابر همه حیله ها و پیشبینی های داشتند، که بلطف بینش ها و این آنان، دشمن با نیرنگ و فریبش به شکست و زبونی

پدیده های جدید و مکر دشمن آمادگی ها نظامی و سیاسی الهی در نتیجهٔ این پیشبینی های صحیح همه مکارگی هاوبا تمام بالاخره در همه جا روبرو شد.

> هستند عناصری در اینجا و آنجا باصطلاح ریزه خواران خوان مجاهدین خلق که میخواهند در میان برادران ما باصطلاح ما گسیزهٔ اسلامی را به چهره های التقاطی دیگری تبلیغ کنند،
> بدون خوف و هراس در برابر چنین عناصر بایستید.

صحبت برادران، حقیقت روشنی را که همچنان از میلهٔ تفنگ شنیده میشد، بار دیگر باز گو کرد:

این همه هرزه سرائی ها که در ارتباط با شورای نظار و جهادگران صادق آن از طرف عناصر غیر مسئول شنیده میشد که گویا برادران در شورای نظار با روسها آتش بس کردند، در حالیکه نقشهٔ ما می بینیم که همه جا آتش دشمن توسط این سنگر نشینان خاموش میشود و همه جا ضربات سنگینی بر پیکر پلید دشمن، توسط این سنگر نشینان صادق و دلسوز و مخلص وارد میگردد.

این همه حرف های هرزهٔ غیر مسئولان، شنیده میشد، که البته قابل یادآوری نیست اما باز هم از تصمیم گیری های اخیر شورا که اینها علی الاعلان گفتند به

ما تا زمانیکه آخرین پایگاه دشمن در کشور سقوط نکند، و آخرین عسکر روسی از افغانستان بار و بستر خود را بر نبندد، تا زمانیکه مزدوران کثیف کمونیزم در افغانستان نابود نشوند و یک دولت عدل الهی در کشور عزیز مان تأسیس نگردد هرگز سلاح را در زمین نمی گذاریم.

این حرفی است، نه مثل آن حرف ها که تنها به عنوان استدلال محلی گفته میشود، بلکه این حرفی است که همزمان با او عمل است. حرف های صادقانهٔ است، چه اینها پیش از آنکه این حرف ها را گفته باشند، در میدان عمل پیاده کردند براستی بساط کثیف روسها و مزدورانشان توسط این دست های پاك و این جهادگران صادق از افغانستان بر چیده خواهد شد.

برادران عزیز!

تحلیل برادران، این مطلب را روشن ساخت که شورای نظار یك عمل انشعابی جهادی در بخشی از کشور نیست، بلکه یك حرکت عطبي و افغانستان شمولی است که شامل همه ولایات کشور، شامل همه جهادگران صادق، شامل همه سنگرنشینان دلسوز است.

در ینجا مسئلهٔ زبان، مسئلهٔ نژاد، مسئلهٔ قومیت ها مطرح نیست، در ینجا صدق و اخلاص و وابستگی به فرهنگ والای اسلامی و صدق و دلسوزی و راستی در جهاد افغانستان عزیز ملاك پیوستگی به این شورا میباشد.

> ورزیده ترین انقلابیون جهان می‌آیند، از ما می پرسند که تجارب تانرا بما عرضه کنید، که جز تجارب شما، راه نجات برای ملت های مسلمان نیست.

البته اینها ثابت کردند که این تجربهٔ بسیار با ارزش شان را به عنوان یك ابتکار خیلی ها ارزشمند جهاد تقدیم همهٔ سنگرنشینان در همه جا بنمایند.

خدا را شکر گذار هستیم که امروز سنگر گاه های ما به عنوان دانشگاه ها در آمده است.

امروز سنگر نشینان ما به عنوان آموزگاران سیاسی و نظامی جهان مطرح میشوند.

ما امروز دیگر مطمئن هستیم که هیچ دست ناپاکی و هیچ دسیسه و سازش بین المللی مانع پیشروی نیروهای انقلاب شکوهمند و عظیم ما نخواهد شد.

ما از زبان برادران شنیدیم آنچه را که کاملاً حقیقت دارد، به این امر ایمان داشته باشیم که انقلاب اسلامی ما در افغانستان، یك عمل اتفاقی نبوده، یك دسیسهٔ هجوم غارتگران روسی نیست، بلکه انقلاب شکوهمند ما بر اساس درك و درایت اسلامی بافهم از اوضاع کشور مان با خطرهای که متوجه جهان اسلام است، با تعهد و التزامی که هر مسلمان متعهد در برابر اسلام عزیز دارد، انقلاب ما بر اساس اندیشهٔ اسلامی آغاز شد، ریشه گرفت و بالاخره قدرتمند شد و امروز وارد مرحلهٔ پیروزی

و مرحلهٔ پیشروی نه تنها در سطح افغانستان ، بلکه در سطح جهان شده و بعنوان یك مکتب نمونه ، به عنوان یك انقلابی که باید دیگران بیاموزند ، عرض اندام کرده است .

امروز بسیار پیشاهنگان انقلاب های اسلامی از کشورهای دیگر مسلمان می آیند و میخواهند از انقلاب ما بیاموزند و تجربهٔ انقلابی ما را در کشورهای مختلف اسلامی پیاده کنند .

امروز انقلاب اسلامی ما به عنوان یك دانشگاه به همهٔ (دانشگاهیان) انقلابی در سراسر جهان اسلام است .

برادران عزیز !

گرچه هستند مشتی از عناصر بیگانه پرست ، عناصر وطن فروش که هنوز هم نمیخواهند به انقلاب اسلامی ما ، به نهضت و جنبش اسلامی ما اعتراف بکنند .

هستند کسانیکه در ارتباط با تحلیل از اوضاع سیاسی و نظامی کشور مان ناآگاهانه چنین بررسی میکنند که گویا در انقلاب افغانستان اندیشهٔ اسلامی نقش تعیین کنندهٔ ندارد .

انقلاب افغانستان به اصطلاح
سمارق هـای بهاری نیست که بنا
شلیك توپ ها و راکت های روس
جوانه زدند وبالاخره روزی پژمرده
و نابود مـی شوند .

> علماء بحیث اختران فروزان و روشن افق کشورهای اسلامی بوده و هستند ، همچنان در پیشاپیش انقلاب های اسلامی قرار داشته و خواهند داشت .

ما به عناصر مزدور و وطن فروش اعلام میکنیم که اینها چه بدانند و چه ندانند باید بفهمند که این انقلاب از عمق آرزوهای ملت منشاء گرفته و از متن ارزشهای اسلامی سر زده و با رهبری و راٴی تعلیمات اسلامی به پیش میرود .

امروز سنگر نشینان ما از هر موسسه یکه فارغ شده باشند ، اگر طبیب اند یا انجنیر (مهندس) اگر شاگرد مکتب اند ، یا برخی که اصلاً با کتاب آشنا نیستند همهٔ شان از فرهنگ انقلابی اسلام آگاهی دارند ، همهٔ شان به ارزش های اسلامی پابند هستند . اینجاست که بعد ازین هیچکس نمی تواند افتخارات انقلاب اسلامی افغانستان را به جز به مسلمانان افغانستان ، به علمای افغانستان ، به جوانان مسلمان افغانستان و به نهضت اصیل اسلام در افغانستان ، به هیچ جای دیگر ارتباط دهد .

اگر امروز روسها با رسوائی از افغانستان در حال فرار و گریز هستند ، اگر فردا از غربیها استعمار گران غربی باز بخواهند که در افغانستان کله کشك کنند و سرمایه گذاری نمایند و دست به تجاوز و غارتگری بزنند ، بار دیگر بازهم همین

انقلابیون مسلمان در برابر تجاوزگران غربی با همان قاطعیت می ایستند، چنانچه در برابر روسهای غارتگر و خون آشام قیام کردند.
دیگر با برآمدن روسها، این انقلاب متوقف نمیشود، انقلاب در همه ابعاد زندگی مردم نفوذ کرده است.
صحبت های برادران عزیز ما، این حقیقت را برای ما بازگو کرد، که دیگر تفنگ ها هرگز در زیر زمین دفن نخواهد شد. انقلاب اسلامی ما تا زمان تشکیل یک دولت قوی و نیرومند اسلامی در افغانستان ادامه خواهد داشت و انقلابیون ما پاسداران این انقلاب خواهند بود. افغانستان خانهٔ همه انقلابیون بحساب خواهد رفت و پوهنتون (دانشگاه) جهادی ماسرمشقی برای همهٔ کسانیکه می خواهند در کشورهای اسلامی یک تحول اسلامی به میان بیاید خواهد بود.

برادران عزیز!

درحالیکه همهٔ ما از ابتکارات بسیار با ارزش برادران مجاهد خود در شورای نظار عمیقاً پشتیبانی می کنیم، و این قدم را یک قدم بسیار با ارزش میدانیم و بـرای همهٔ برادران خود که می توانند و عذری ندارند، توصیه می کنم هرچه زودتر در این مجموعهٔ با ارزش جهادی، همه یکجا گرد هم بیایند و تجارب مشترک خود را در ارتباط به ساز ماندهی مستحکم نظامی و جهادی بسازند، زیرا ما فعلاً در مرحله هستیم که اگر راستی چنین ابتکاراتی را در افغانستان نکنیم، می ترسیم که خدای ناخواسته همین فرزندان انقلاب ما به علت نبودن محورهای قوی و منظم جهادی به عنوان تفنگداران بی فرهنگ و رهزنان آدمکش تبدیل شوند که در نهایت همه آرزوها و همه دستاوردهای انقلاب مان و همهٔ خون شهداء و رنج بی نهایت ملت ما ضایع شود و بنا برآن همه برادران ما باید بکوشند تا بعد ازین در هر جائیکه هستند نظم بهتر و کارهای بیشتری بکنند.

اگر بعد ازین درباره‌ٔ نظم ایجاد شود بتفاوت و کسانه اسلامی نادرست و بدون عذر جهادی مانعی معنی آن سرکشی است البته از دیدگاه این کار نابجاست.

> خدا را شکر گذار هستیم که امروز سنگرگاه های ما به عنوان (دانشگاه ها) درآمده است.
> امروز سنگر نشینان ما بعنوان آموزگاران سیاسی و نظامی جهان مطرح میشوند.

(ادامه دارد)

پاسخ امیر عمومی حوزه جنوب غرب به سئوالات مهاجرین داغه یـده

در محفلی که بتاریخ ٦٧/٣/٤ - بمناسبت تشریف آوری مجاهد نستوه الگوی تقوی و مبارزه جکتورن محمد اسماعیل ، امیر عمومی حوزهٔ جنوبغرب جمعیت اسلامی افغانستان درمحل مسجد حضرت بلال (رض) برگزار گردیده بود ، تعداد غفیری از مجاهدین ، مهاجرین و انصار در آن اشتراك و بعد از سخنرانی ، امیر عمومی حوزهٔ جنوب غرب ، مهاجرین و مجاهدین سئو الاتی را مطرح نمودند که ذیلاً تقدیم خوانندگان گرامی میگردد

سوال : آیا واقعاً روسها افغانستان را ترك میکنند ؟

جواب : برادران نهایت محترم !

چند دلیل است که روسها افغانستان عزیز را حتماً انشاء الله ترك میگویند روسها در مدت ۹ سال تجاوز یکه به افغانستان مظلوم کرده اند ، در طول مدت در حالیکه بیش از هفتاد سال قبل روسها افغانستان را معبر و یا گذرگاهی برای رسیدن به آب های گرم بحر هند تعیین نموده بودند و در مدت هفتاد سالیکه در افغانستان کار کرده بودند ، فکر میکردند که مانند یك کوه یا معبری آناً از افغانستان بگذرند ، چنانچه بیش از یکصد هزار ارتش سرخ روس ، لحظات که وارد افغانستان میشدند ، من بصفت یك مجاهد در ساحه ای تورغندی ، ناظر ورود قشون روس بودم ، که با چنان غرور به افغانستان هجوم آوردند که آنها اصلاً فکر نمیکردند نیروی بآنها رو برو شود ، اما کورخوانده بودند ، نیروی ایمان ملت افغان را نادیده گرفته اند ، خوشبختانه می بینیم با اولین روز جائیکه روسها وارد افغانستان شدند از آن موقع تا کنون بیش از یکصد هزار عساکر متجاوز روس تا دندان مسلح در افغانستان و حدوداً نود هزار عساکر و ملیشه ای (مزدوران دولت دست نشانده) افغانستان ، در مدت ۹ سال نتوانستند که حتی لحظه ای در سرزمین ما حاکمیت داشته باشند در حالیکه ارتش ، با موجودیت بیش از یکصد هزار عسکر در داخل افغانستان بمدت ۹ سال تجاوز ، هشتاد فیصد از سرزمین افغانستان که آزاد باشد ، آنها شکست خود و عدم پیشروی خود را در سنگرهای افغانستان دیدند .

شما میدانید که علت عمدهٔ شکست روسها در افغانستان بخاطر این بود که در جنگ نا منظمی در هفتصد هزار کیلو متر مربع رو برو بودند ! اگر جنگ افغانستان و جنگ ارتش منظم بمقابل هم یکی می بود ، جنگ تا فعلاً فیصله کن بود .

اما صفوف فشردهٔ ملت مومن افغان سبب شد. ۲۰ ملیون ملت مومن در هفتصد هزار کیلو متر مربع ، هرخانه ، سنگری بمقابل روس ها باشد ، روسها جرائت وتوانائی این را نداشتند که بیش از ملیونها سنگر و بیش از صدها هزار کیلو متر مربع ، آنها را اشغال کنند ، علت شکست روسها جنگ نامنظم و نیروی ایمان ملت ما ، فشرده بودن صفوف منظم مجاهدین ، یکپارچه بودن ملت باعث شکست روسها در افغانستان گردیده است. افغانستان

س : به نظر شما ، با توطئه شرق و غرب ، تجزیه نخواهد شد ؟

ج : البته روسها به فکر این بودند و زمانی شایعات هم بود که اگر روسها موفق شوند ، به یک بخشی از افغانستان در قسمت های شمال ، دولت نجیب به قسمت بلخ انتقال بیابد ، این بود که روسها ، وقتی مقاومت ملت افغان و شکست خود را در افغانستان دیدند ، فکر کردند ، درصورتیکه آنها در ۲۸ ولایت مقاومت کرده نتوانستند ، در یک و دو ولایت اصلا" امکان ندارد که مقاومت کرده بتوانند.

این بود که روسها وقتی شکست خود را دیدند ، به فکر چارهٔ افتادند ، که نیمه آبرومندانه از افغانستان بیرون بروند و دست بدامان امریکا زدند و این هم بزرگترین نوید و بزرگترین سعادت است که نصیب ملت افغانستان میشود .

آمریکا و روس که سالها دو دشمن در ظاهر بمقابل همدیگر بودند ، ایثار ملت مومن افغان سبب [illegible] میشود که روسها مجبور شدند راه نیمه آبرومندانهٔ خروج خود را از یکطریق بدست بیاورند ، اینست که مدت ها موضوعی را به پیش میکشند که حل قضیهٔ افغانستان از طریق مسئلهٔ ژینو باشد .

وقتیکه می بینند به بن بست روبرو میشوند و به نتیجه نمیرسند و مجاهدین کلا" مذاکرات ژینو را رد میکنند و بالاخره به یک نیرنگ و حیلهٔ دیگری بخواهند به خود یک راه نیمه آبرومندانه پیدا کنند ، چنانچه شنیدید که من یکروز قبل بروز سخنرانی ارائه کردم ، نامهٔ که جنرال روسی بمن روان کرده و دران ذکر میکند که ، (ما از افغانستان خارج میشویم و در طول مدت ۹ سال ، در افغانستان خواستیم بملت افغان کمک بکنیم ، اما با کسانی روبرو شده ایم که با [illegible] های گوناگون و با انواع مختلف سلاح ها و سرمایه های از ما گرفتند ، اما مصدر خدمت بملت افغانستان نشدند ، ما میخواهیم که تو بصفت یک قوماندان سرشناس که در داخل افغانستان هستی ، از طریق تو کمک به ملت افغانستان بکنیم ، و به تو باید واضح شده باشد و اگر نشده باشد ، ما برای تو مینویسیم که قطعات محدود قوای شوروی عنقریب از افغانستان بیرون میشوند.)

این اعلان بود از طرف جنرال روسی که پیش از مسئله ژنیو شده بود ، نامهٔ او پیش من است و روس ها کلا" شکست خود را دیده بودند ، چنانچه پیش از اینکه موضوع ژنیو به نتیجه برسد ، می بینیم که روس ها میگویند (خواه موضوع ژنیو به نتیجه برسد و یا نرسد ، روس ها از افغانستان بیرون میشوند.)

و بالاخره به این نتیجه رسیدند که دست بدامن امریکا بزنند ، تا از طریـــق امریکا بخواهند جای پای در افغانستان داشته باشند و یا حکومتـــی در افغانستان بوجود بیاید که باعث کمک به مسلمانهای که در تاجیکستان و ترکمنستان هستند ، نشود و در عین زمان نسبت تنفریکه ملت افغانستـــان از روسها دارند ، از ین سبب نیز در امان باشند .

و این یک واقعیت مسلم است که امریکا هم طرفدار حکومت اسلامی درافغانستان نیســـت .

امریکا و روس ، این هر دوکاملاً مخالف حکومت اسلامی هستند و یا از برقراری جمهوری اسلامی در هرکشوری که باشد ترس دارند .

زمانیکه امریکا هم به نتیجه رسید که ملت مومن افغانستان ، جمهـــوری اسلامی میخواهند ، روس وامریکا بنا به مجبوریت و شکستی که در افغانستـــان خوردند ، با همدیگر کنار بیایند . چنانچه مجلسی که فردا بین گوربا چـــف و ریگان در داخل روسیه شروع شود ، فقط شما مت وابشار شما استکـــه دو ابر قدرت را مجبور میسازد بخاطر اینکه منافع آنها در افغانستان تامیـــن بشود به پهلوی همدیگر جمع بشوند ، خوشبختانه که مجاهدین مومن ما کامـــلاً آگاهند و به روس وامریکا اخطار میدهند ، همانطوریکه روس درافغانستـــان شکست خورد و مفتضحانه بیرون میشود ، امریکا هم اصلاً در افغانستان جای پای ندارد ، لذا امکان تجزیهٔ افغانستان اصلاً نمیرود ، روس وامریکا به فکـــر راه بیرون شدن روسها به شکل نیمه آبرومندانه و به فکر حیله و نیرنگ هستند ، تا در افغانستان منافع آنها تامین بشود و یا حکومـــتی در افغانستان به سر قـــدرت بیاورند که روابط حسنه با دو ابر قدرت شرق و غرب داشته باشد .

اما مسلمانان مومن افغان و شما دانشمندان و بزرگواران در ین لحظات حســاس باید نهایت آگاه باشید و سنگرداران دلیر را در ین مقطع حساس یاری دهیـــد انشاءالله به ترتیبی که روسها در افغانستان شکست خوردند و طعم تلخ تجـــاوز را چشیدند ، امریکائی ها هم انشاءالله جرئت همچو غلطی را ندارند ، بایـــد چنان درسی به آنها بدهیم تا چشم های که طرف افغانستان دارند کوربشـــود و افغانستان عزیز ، افغانستان اسلامی ، آزاد ، مستقل و بی طرف درجهان ظهـــور بکند .

س : آیا شما با شورای ائتلاف هشتگانه ارتباط دارید یا خیـــر ؟

ج : این یک واقعیت است که مجاهدین مومن ما درتمام سنگرها به پهلوی همدیگـــر قرار دارند و ما خوشحالیم که مجاهدین مومن افغانستان بخصوص مجاهدین شهرشهید پرور هرات ، امسال موفق میشوند که با موجودیت قوای اشغالگر درافغانستان ، محفلی از تمام قوماندانان شورای عالی جهاد و وحدت سنگر در داخل افغانستان با موجودیـــت یکهزار و دو صد نفر از بهترین قوماندانان از تمام ولایات افغانستان در مرکـــز

غورات دایر میکنند وازتمام احزاب و گروها در آن شرکت میکنند و امروز تمام مجاهدین ما پهلو به پهلوی و دوشادوش همدیگر روان اند و ما با تمام قوماندانان و با تمام احزاب و بخصوص شورای ائتلاف هشتگانه ارتباط مستقیم داریم .

(ادامه دارد)

اطلاعیه

تأمین خدمات صحی ، کمک و رسیدگی بمریضان و مجروحین مهاجر افغانی که یکی از اهداف شورای مرکزی ارشاد جهادی امارت عمومی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان میباشد ، لذا با توجه به این وجیبهٔ اسلامی به توفیق الهی سعی میشود که برای شما هموطنان عزیز دردمند و مصیبت دیده بحد امکان همکاری نمائیم .

از ینرو کمیسیون امور مجروحین این شورا ، دراجرای تزریقات و پانسمان به مجروحین و مریضان مهاجر مستمند ، آمادهٔ خدمت است.

وقت کار: همه روزه (بدون روزهای تعطیل) ازساعت ۲ تا ٤ بعدازظهر

****

کورس زبان انگلیسی شاگرد میپذیرد

بمنظور خدمت و کمک به علاقمندان علم و دانش و آموزش زبان ، کورس لسان انگلیسی به سویهٔ ابتدائی و متوسطه ، مخصوص برادران محترم مهاجر افغانی در شورای مرکزی ارشاد جهادی " مشهد " دایر و تأسیس گردیده که همه روزه (بدون ایام تعطیل) از ساعت ۲ - الی ٤ - بعد از ظهر تدریس آن آغاز شده است.

علاقمندانیکه خواهش شمول دارند به کمیسیون تعلیم و تربیهٔ شوراء و به آدرس زیر مراجعه نموده ، تا دو - هفتهٔ دیگر پذیرفته میشوند .

آدرس : شورای مرکزی ارشاد جهادی "مشهد" بین چهار راه برق و درمانگاه سیلو ، پلاک (۸٦)

****

(مــــژده)

کمیسیون صنعتی شورای مرکزی ارشاد جهادی برای برادران مجاهد و مهاجر افغانی که نیاز به دوختن البسه دارند چنین مژده میدهد که شعبهٔ خیاطی ما فعال بوده و آمادهٔ خدمت با تخفیف دست مزد معینه میباشد و البسهٔ تولیدی نیز بطور عمده باتخفیف قیمت بمعرض فروش قرار دارد .

مولوی اکبر
****

پیرامون اصلاحات خودی

و من احسن قولا " ممن دعا الی الله و عمل صالحا "
و قال اننی من المسلمین (قرآن کریم)

پر واضح است که از همان آوان هجوم و حشیانهٔ روس تزار با تمام ساز و برگ نظامی مدرن روز و بیش از یکصد و پانزده هزار افراد پیاده نظام خویش بکشور مظلوم و بیدفاع ما افغانستان عزیز نتوانست طرفی از میان برده و سر انجام که در مقابل خروش نعره های تکبیر ملیونی ملت مسلمان و مجاهد شکست سیاسی ، نظامی و بی آبروئی مکتب الحاد و پکت ورشو را در ساحهٔ ملی و بین الدللی لمس نمود ، با زبر اساس خصلت ددمنشانهٔ و حیله گرانهٔ خویش تبلیغات زهراگین را شروع نمود ، این را مسلمانان مجاهد و پابرهنه گان مومن مابه تجربه آموخته اند که سر دمداران مسکو و اقلیت (بلشویک) در طول تاریخ توسعه طلبی خویش آنقدر که از اسلحهٔ پیشرفتهٔ مدرن و آدم کش استفاده نموده اند ، چندین برابر آن از خدعه و فریب و حیله کار گرفته که در واقع وقتی اثرات کاربرد سلاح های مدرن و انسان سوز آنها را پهلوی حیله کاری ها و دغل بازیهای شان قرار میدهیم ، میبینیم حد اکثر بهره برداری از طریق همین چپال و نیرنگ است ، چنانچه آشنایان بجنگ جهانی دوم و زمان هجوم هیتلر بروسیه تزار از ین موضوع بطور عمیق و کامل اطلاع دارند که استالین از همهٔ مسلمانان داخل خاک روسیه خواست تا در مقابل هیتلر بدفاع بر خیزند و بعد از شکست آلمان سرزمین های شان آزاد و حق تشکیل دولت های مستقل اسلامی را خواهند داشت که متأسفانه بعد از شکست هیتلر ، فقط کشتارگاه ها در انتظار مسلمان ها بوده و لا اقل که از استقلال و آزادی خبری نبود ، بزرگترین جرم و جنایت ، داشتن ایدهٔ اسلامی تلقی شده و ساده ترین جزای یک فرد مؤمن و مسلمان اعدام فوری بود .

لذا ما و شما که از اسلام و مکتب انسان ساز بشریت و مسلم بزرگ مکتب توحید درس- تعهد ، امانت ، وفا به عهد و صداقت را آموخته ایم نه اینکه نباید غیر متعهد

خیانتکار و کاذب بود ، بلکه بر ماست که خیانت ، عهد شکنی ، دروغگوئی و تمام حیل و فریب دشمنان قسم خوردهٔ اسلام رانظارت و گاهی فراموش نکنیم . چه میفرماید : (اتقوا من فراسته المومن فانه ینظر بنور الله) و راستی هم که وقتی یک مجاهد و یک مسلمان اگر به نور خدا نظر اندازد این همان فردی است که در مقابل مکر و دسیسهٔ دشمن دو بار از یک سوراخ گزیده نمیشود ، فلذا روس های تجاوزکار و ایادی هم دست شان که سرشت شان از عهد شکنی ، خیانت بدیگران خلاف وعده و نیرنگ و دروغ است با مسلمانان و ملت های دیگر معاهده میبندند ولی درعمل خلاف معاهده مینمایند ، چنانچه قبل از هجوم و حشیانهٔ شان و اشغال نظامی افغانستان مخصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم در دوران حکومت فاسد شاهی بین مقامات افغانی و حکومت مسکو معاهدات و توافقنامه های سیاسی و نظامی بامضاء رسید که منجمله معاهدهٔ مهم عدم تجاوز و دخالت شریک از دو کشور متذکره به خاك یکدیگر درسال ۱۹۱۹-۱۹۲۹ میلادی در زمان حکمروائی امان الله بود .

ولی بعد از ین معاهده که در ول قمیت امضاء سند جنایت شان بود با کمال اطمینان و آسوده خاطر بودن تمام دوائر و دفاتر سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی سطح بالای کشورما مخصوصاً بوزارتخانه های دفاع ملی ، معارف و تعلیمات عالی راه یافته و مقاصد شوم خویش را با پلان های منظم و وسیع توسط مشتی وطن فروش او باش واجیر و تعدادی هم مهره های پلید کا ، جی ، بی - شروع کردند .

وزارت دفاع ملی که واقعاً" در قبال مردم و ملت مسئولیت خاصی داشته و حفظ سرحدات و استقلال و حاکمیت کشور را از وجائب قانونی و اساسی آنست ، چنان روس ها ماهرانه در همهٔ ابعاد و بخش های تشکیلاتی آن رخنه کرده بودند که به فرض محال اگر بندهای بوت نظامیان و ارتشیان پاره شدی نه اینکه دولت وقت ، قادر بهساختن آن نبود ، بلکه اجازهٔ خریداری از کشور دیگری را هم نداشت تاکه بعد از یک عالم اظهار امتنان از باداران روسی خویش در مقابل ارزش ده برابر خریداری نمودی بچه رسد به استحقاق قرار داد های مهم تکنولوژی پیش رفته ، از قبیل دفاع هوائی وغیره که این خود مصداق همان ضرب المثل دیرینهٔ سیاستمداران کهنه کار است کــــه

گفته اند و اسلحه بیرق را به عقب می آورد) و از نظامیان مظلوم ما بداخل فرقه های عسکری از هر نوع اظهار نظر محروم شده بودند و وظیفهٔ شان فقط نو سازی وتعمیر نمودن برج و باره های قلعه های جنگی ، قرارگاه ها و بالاخره خاک کشی و سنگ کشی و و قسمتی از روزهم را بداخل میادین تعلیم در شدید ترین اوقات گرما و سرما خم و راست شدن بنام تعلیم عملی بود و بس .

بهمین مقیاس و بلکه بیشتر از آن اکثر بدبختی ها و عوامل گمراهی ما دست اندرکاران منحرف در وزارت های معارف و تحلیمات عالی کشور که در واقع مرکز مجری فرهنگ اصیل ملت بود مشاهده میگردید ، در راستی هم باید روس ها و ایادی اجیرشان در بیشتر وزارت ها حد اکثر سعی و کوشش خود را به کار میگرفتند تا جوانان تحصیل کرده و مومن کشور نتوانند دست از پا رها کرده و لا اقل که متحمل تمام این وضع اسف بار و فشار واختناق شده اند حتی اداء امور تعبدی محض هم جرم بزرگ و گناهی بس عظیم به حساب میامد ، چنانچه بنده خیلی خوب بیاد دارم که در اواخر سال ۱۳۵۷ - یعنی زمان زمامداری ترکی در ساعت های یک بعد از نصف شب فقط در ادارهٔ لیلیه پوهنتون (دانشگاه) کاملا صدای ضجه و فریاد جوانانی از سوراخ پنجره ها به بیرون شنیده میشد که بهترین دلیل برای این همه زجر و شکنجه یک جوان مسلمان ادای نماز ها آن هم نه در جماعت ، بلکه به طرز انفرادی بود ، از طرف دیگر قصدا" سال یکمرتبه و در خلال سال تعلیمی طبق دلخواه خو یش مضامین و پروگرام های درسی را تغییر و بجای آنها مضامین بی محتوی و اغواء کننده ، وغالبا" عامل ضیاع وقت بخورد مردم و جوانان میدادند که واقعا" اثرات این مضامین جزء عامل انحطاط و گمراهی چیز دیگری نبود و حتا بلکه" استادان مومن مجرب و آینده دانان مسلمان را به هر شکلی و بهانهٔ که شده بر طرف ، ترورشخصیت ، و یا جلو تاء ثیرات مبارزات شان را میگرفتند ، و در عوض جای آنها را مهره های بی کفایت و فاقد لیاقت پر مینمود .

بهر صورت این وضع طی چند سال بهمین منوال حالت فاجعه آمیز و قهقرائی خود را پشت سر نموده و این حالت ناهنجار برای علماء [illegible] و مخصوصا" تحصیل کردهٔ مومن غیر قابل تحمل بوده و احیانا اگر در مساجد ، منابر ، مدارس

دینی و مراکز علمی ، فریاد حق طلبی بلند میشد منجر به تجارب ایادی مزدور و حکومت وقت که از گذشته در تاریخ لشکرکشی و کشورگشائی باداران روسی خویش داشتند ، در نطفه و یا حلقوم خفه میکردند .

تا در نتیجهٔ این همه مقدمه چینی ها ، زمینه سازی های ضد انسانی و الحادی بالاخره در روز پنجشنبه ۷ ثور ۱۳۵۷ - هـ - ش ضمن کودتای خونین قدرت مطلقه را بدست گرفتند و ساعت ۸ قبل از ظهر جمعه چند روز بعد بود که صدای دلخراش تره کی از طریق رادیوی افغانستان گوش بان خراشیده و تره کی چنین وانمود کرد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب کارگران و زحمتکشان و خلقهای محروم جهان اکنون بر عنعنات خیالی قرون وسطائی خاتمه داده و بخاطر نجات خلق های زحمتکش جهان ، اکنون زمام امور را در افغانستان بدست دارد .

ولی دیری نپائید که روس ها چون در ایجاد حکومت قدرت مطلقه داشتند خوب معلوم که بر اندازی آن کار مشکلی نیست ، طرز حکومت و فرمان ۷ گانه و هشتگانه تره کی را نسبت به عدم استقبال مردم افغانستان خوش نکرده و زیر سوال قرار دادند که بدلیل همین بی لیاقتی و بی کفایتی بعد از طی مدت کمی وی را به متکی خودش خفه و بلافاصله حفیظ الله غاصب یکی دیگر از مهره های کا ، جی ، بی - را بر گردهٔ ملت مظلوم و بیدفاع مسلمان سوار گشت ، که اینهم طی مدتی چند بطرز مرموز و برنامهٔ از قبل تعیین شده ضمن زد و خورد ساختگی در قصر دارالامان بهلاکت رسید ، و متصل همان روز و در نیمه شب جمعهٔ ۶ - جدی ۱۳۵۸ هـ در حالیکه روس ها از آن طرف مرز های شمال سرگرم هجوم یکصد و پانزده هزار ارتش سرخ بداخل افغانستان بودند ، چهرهٔ پلید دیگری از مهره های استعمار سرخ که شهرت یک کمونست دو آتشه را دارا است ، صدای آشنایش از کانال استعماری روس ها یعنی رادیوی تاجیکستان با افغانستان و دیگر کشور ها برودکاست میشد ، بنام رئیس جمهور و منشی مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان برای مردم و ملت زجر کشیدهٔ ما معرفی گردید ، و این فرزند استعمار سرخ و شاگرد ممتاز سازمان کا ، جی ، بی - ضمن بیانیهٔ تاریخی خویش چنین اظهار کرد که واقعاً" آقای امین یک فرد کاملاً" غربی بوده ، به آرمان شما ملت زحمتکش و محروم خیانت کرده و همهٔ این قتل ها ، جنایات ، غارت ها و ویرانی ها بدوش حفیظ الله لعین انداخته و کرارا" مردم مسلمان و خدا پرست افغانستان را وعدهٔ آرامش و امنیت میداد و از طریق رادیو و تلویزیون چنان بیشرمانه دست به توطئه و فریب مردم زده بود که گوئی واقعاً" غمخوار واقعی این ملت مظلوم و بیچاره این شخص است و بس .

ولی بی خبر از اینکه مردم مجاهد و مسلمان افغانستان دیگر فریب سخنرانیهای پر زرق و برق تیوریسن های خود فروش بی دین ، مهره های استعمار سرخ را نخواهند خورد .

(ادامه دارد)

قسمت دوم

طب و صحت مردم

تهیه و نگارش :
(دکتر صحت)

نصب و فعال ساختن دستگاه های جدید اکسریز و لابراتوار در دو شفاخانهٔ امارت عمومی حوزهٔ جنوب‌غرب

بمنظور خدمت بیشتر و بهتر برای معالجه و درمان امراض و صدماتیکه از اثر بمباردمانهای وحشیانهٔ دشمن تجاوزگر شوروی و مزدوران از خدا بیخبرش، به پیکر پاک مجاهدگران و مبارزان ایثارگر، پدید می آید و بخاطر مداوای امراض و صدمات جسمی و عضوی که از آغاز حملات ددمنشانهٔ قشون چپاولگر روسی، زندگی مردم بیدفاع و حق پرست افغانستان را تهدید میکند.

امارت عمومی حوزهٔ جنوب‌غرب جمعیت اسلامی افغانستان همواره سعی و تلاش مینماید که در امور صحی و شفاخانه های مربوطه، وسایل جدید و مجهز طبی و ادویهٔ بیشتر و موثر تهیه نموده و بمعرض استفادهٔ عموم قرار دهد.

چنانچه در این اواخر با نصب و فعال ساختن دستگاه های جدید و مجهز اکسریز و لابراتوار طبی به کمک دو دستگاه جنراتور برق در دو شفاخانهٔ مرکزی به دو منطقهٔ غربی و شرقی حوزهٔ جنوب‌غرب، اکثر مشکلات معالجوی و درمان امراض و صدمات مریضان و مجروحین مناطق آزاد شده و تحت تسلط مجاهدین به زحمتکشی و خدمتگذاری بیدریغانهٔ دکتوران و متخصصین رشته های جراحی، داخلی و اطفال، بواسطهٔ عکسبرداری از اعضای مجروحین و مریضان و اجرای آزمایشات و معاینات لابراتواری مورد نظر مرفوع میگردد. و تا حال صدها هموطن دردمند و مجروح مسلمان ما از این خدمات بی شایبهٔ درمانی و معالجوی مستفید شدند.

از این لحاظ است که اعزام مریضان و مجروحان جهت تداوی بخارج از این حوزه روز بروز کاهش یافته و در آینده سعی بیشتر میشود که بخواست خدای توانا، وسایل بیشتر و جدید طبی به دیگر تأسیسات صحی و شفاخانه های مربوطه تهیه و نصب گردد، تا تمام هموطنان در همه نقاط آزاد شده، از خدمات صحی یکسان استفاده کنند.

البته در صورت امکان راپور فعالیت های صحی این امارت غرض مزید معلومات شما خوانندگان این مجله نشر خواهد شد.

نظافت جزء ایمان است

دین مبین اسلام نظافت و پاکی را از آنجهت جزء ایمان دانسته، که مظهر تندرستی

سلامتی و سعادت انسان است و از بروز حوادث امراض جلوگیری میکند ، چنانچه علماء و اطبای جهان ، امروز هم نظافت را پایه و اساس بهداشت و پیشگیری از آفات و بیماریها دانسته ، درباره پاک نگهداشتن بدن ، لباس ، غذا و محیط زیست ، همواره مردم را توصیه و تاکید مینماید .

واقعاً" نظافت و پاکی طول عمر انسان را زیاد و زندگی را با نشاط ، خوش و سودمند میسازد ، و میتوان معیار اصلی پیشرفت جوامع بشری را رعایت شرایط صحی (بهداشتی) پاکیزگی افراد و محیط زندگانی آنها دانست .

اشخاص و خانواده هائیکه کثافات و ناپاکی را از خود و مسکن خود دور نکرده و اصول حفظ الصحه فردی و اجتماعی را رعایت نمی کنند ، واضح است که به امراض و ناجوری های گوناگون و خطرناک مبتلا شده ، صحت و سلامت آنها دایم دستخوش حوادث و ناپاکی میگردد ، زیرا کثافات منشاء و حاوی هزاران نوع میکروب بوده ، که اگر بوجود کسی راه یابند ، به اثر نفوذ و فعالیت خود ، انسان را مریض و علیل ساخته و باعث مرگ و نابودی میگردند .

انواع میکروبها و دیگر علل مریضی ، بسرعت از یک شخص به دیگری ذریعه غذا ، آب و کثافات و هوا انتقال کرده ، سبب بروز صدها مریضی ساری در بین افراد یک محیط به دیگر نواحی میشوند ، که تداوی و جلوگیری این گونه امراض بعد از شیوع و انتشار مستلزم مصارف مالی هنگفت بوده ، ایجاب توجهات پیگیر و بیشتر کارمندان صحی و امور بهداشتی را مینماید . لذا حفظ و رعایت اصول بهداشتی انسان را از مصاب شدن به امراض نجات میدهد ، و بهمان اندازه محصول کار و زندگی را بطور وافر افزایش ، دلپذیر و بهبود می یابد و موجب پیشرفت و تعالی امور اقتصادی ، علمی و اجتماعی وغیره میگردد .

ازینرو شما که به زندگی خود علاقه دارید ! شما که سلامت و تندرستی میخواهید ! شما که میخواهید زیاد عمر کنید ! شما که از امراض و بیماری ترس و تشویش دارید ! شما که پاکی و صفائی را نسبت به کثافات ترجیح میدهید خلاصه شما که به شهر و جامعه خود خوشبین بوده و به دیگر همنوعان خود کمک صحی آرزو دارید . باید که در همه امور صحی و بهداشتی با اطباء و کارکنان امور بهداشتی و صحی همکار باشید ، یعنی همیشه از هدایات و دساتیر طبی و صحی آنها که برای حفظ و بهبود صحت و سلامت شما است ، پیروی کرده ، از انداختن کثافات و اشیای کثیف در بین کوچه ها ، جویها پارک ها و جاده ها اجتناب نموده ، همچنان از خوردن و خوراندن سبزی ها و میوه های ناشسته و غذا های کثیف که باعث تولید و انتشار امراض میگردد خودداری کنید ، زیرا طبق ارشادات اسلامی و دستور سازمان صحی جهان (پیشگیری مرض آسانتر از معالجه آن است) لذا نظافت و پاکی را یکی از اهداف عالی حیاتی و صحی خود و همنوعان خود قرار دهید ، تا همیشه شاد و تندرست باشید.

(چرا سمبول طب "مار" انتخاب شده ؟)

چندین قرن قبل از میلاد در یونان، تنها کسانیکه به کار معالجه و تداوی بیماران اشتغال داشتند، کاهنان (روحانیون) اپیدور بودند.

کاهنان مذکور در محلی بنام (اپیدور) عمارت بزرگی ساخته بودند که در قسمتی از آن مارهای مختلفی را جمع آوری و تربیت میکردند.

عقیده و هدف آنها از این کار، این بود که این مارها، شبانه نزد مریضان رفته باعث شفای آنها از مریضی میگردند.

اتفاقاً وقتی مرض خطرناک طاعون به روم شایع شده بود که سبب تلفات زیاد اهالی آنجا گردید. مردم روم از کاهنان اپیدور یونان خواستند که برای معالجه مرض طاعون، ماری را به روم بفرستند. لذا کاهنان ماری را در حالیکه به دور عصائی حلقه زده بود، به روم فرستادند، ولی مار موقع عبور از رودخانهٔ (تیبر) خود را از عصا باز کرده و شنا کنان به آنطرف رودخانه رفت و در محلی باز ایستاد، مردم آن محل به زودی معبد بزرگی بنام (معبد اپیدور) در آنجا ساختند و برای مار در آن معبد نیز ظرف بزرگی از شیر تهیه کردند، مار همه روزه تا زمانیکه مرض طاعون از آن مردم رفع شد، برای خوردن شیر، بدور پایه های آن ظرف حلقه میزد و از آن شیر میخورد، و بعد از خوردن مقداری شیر دور میشد، مردم شیر باقیماندهٔ ظرف را برداشته به مریضان طاعون میدادند که در نتیجه مریضانیکه از این شیر میخوردند جور میشدند و از مرگ نجات می یافتند.

همان بود که به پاس این خدمت بزرگ مارکه باعث شفا و مغلوب مرض طاعون شده بود، آنرا (مظهر دانش طب) دانسته و از آن وقت تا امروز نقش مار در حالیکه از ظرف شیر تغذیه میکند، به عنوان (سمبول طب) انتخاب شده است.

چنانچه امروز در صنعت دواسازی از زهر مار مقدار زیادی ادویه (دارو) ساخته و تهیه شده که در تداوی اکثر امراض از آن استفادهٔ شایانی میگردد.

تجارب و آزمایشات طبی که بالای مارها بعمل می آید، نیز دارای ارزشهای علمی و حیاتی برای انسانها میباشد.

(کمک های اولیه در خونریزیها)

بعضی اوقات دیده شده است که از نقاط مختلف بدن خونریزیهای بمیان می آید، گاهی این خونریزیها بحدی شدید و دوامدار بوده که باعث مرگ میگردد. درینصورت قبل از رسیدن مریض به دکتور و انتقال آن به شفاخانه، اگر به نکات آتی توجه شود، بحیث کمک های اولیه در نجات دادن مریض از خونریزی خدمت مهم صحی و حیاتی را انجام میدهید و قبل از همه باید به نوع خونریزی نیز قرار ذیل آشنائی پیدا کرد:

اول – خونریزی بینی:

اگر بینی کسی خون میشود ، باید سرش را به طرف عقب خم کنند تا خون به دهن آن نریزد ، و اگر مریض ایستاده باشد ، او را بنشانید و سرش را به عقب خم نمائید و بهر حال درین صورت ، رسیدن هوای آزاد بمریض ضرور و حتمی است ، اگر یخن و کمر بند آن بسته باشد آنرا باز نموده و راحت بگذارید ، و آنرا وادار نمائید که از راه دهن تنفس کند و بینی خود را نیفشاند و برایش بگوئید که حصهٔ نرمی بینی خود را به آهستگی فشار دهد ، زیرا به اثر فشار مستقیم در بینی ، خون ایستاد خواهد شد ولی بعد از هر پنج دقیقه باید بینی اش را رها کند و با آهستگی نفس بکشد ، اگر خونریزی با ینصورت ایستاده نشد ، در بینی آن پنبه یا تکه معقم و پاک به آهستگی داخل نموده و از فشار دادن زیاد خودداری شود ، در صورتیکه با این هم ابتدا بیشتر خونریزی توقف نکرد و دوامدار شد ، باید هرچه زودتر به دکتور مراجعه شود.

دوم خونریزی گوش :.

زمانیکه از گوش مریض خون می آید (اگر تصادم کرده باشد یا کدام ضربهٔ دیگری بآن رسیده باشد) دلیل این نیست که استخوان جمجمه و یا ابتدا گردن ضربت خورده و یا کسر پیدا کرده باشد .

درینصورت باید مریض را آرام گذاشت و به طرفیکه خون از گوش آن می آید دراز بکشد و بداخل گوش پنبهٔ معقم و پاک گذاشته شود ، زیرا اگر بطرف گوش خود بخوابد که از آن خون می آید ، باعث میگردد که خون بداخل رفته و از راه دهن و بینی خارج شود یا در مجرای گوش و بطرف داخل دمه کنند که این حالت بسیار خطرناک میباشد ، بازهم انتقال مریض به دکتور حتمی میباشد .

سوم خونریزی دندان بعد از کشیدن :

البته بعد از کشیدن دندان تا سه ساعت [illegible] ، از جایش خون می آید ، که بعضی اوقات خونریزی دندان زیاد شده و برای مریض خطرناک است ، پس باید به این نکات عمل کنند ؛

۱- دهن را با آب سرد آبکش کنند .

۲- هرگاه محلول پرمنگنت داشته باشد ، چند بار از آن بدهن کرده و بیرون اندازد .

۳- تونهٔ یخ یا پارچهٔ به آب سرد تر کرده ، از بیرون بالای قسمتی که به دندان قرابت دارد ، بگذارد .

۴- یک تونهٔ پنبه معقم[1] یا گاز ، در فرو رفتگی دندان داخل نماید و دهن خود را خوب بسته نموده و تا ادامهٔ خونریزی کمتر حرف بزند .

---

(۱) ضد عفونی شده .

۵- از آب گرم و داغ ، یا غذای سخت و گرم ، استفاده نکنند .
۶- اگر خونریزی شدت داشت و با این تدابیر از آن جلوگیری نشد ، به دکتور دندان مراجعه کنند .

چهارم خونریزی دماغ (خونریزی مغزی)

خونریزی مغزی بر دو قسم است :-
۱- توسط ضربه که استخوان سر درز و کسر نموده و بدماغ آن صدمه میرسد .
۲- از سبب بعضی امراض داخلی که باعث کفیدن شرائین مغز میگردد .
این نوع خونریزی ها در اشخاص پیر و چاق زیاد تر دیده میشود ، چون در اشخاص کلان سال خاصیت ارتجاعی جدار شرائین و ورید های خون کم میشود .
هرگاه بالای اعصاب شان فشارهای فکری و عصبی بیاید و یا در اثر کار کردن زیاد ممکن است که یکی از رگهای مغز آن بکفد و باعث خونریزی شود ، این نوع خونریزی ها بسیار خطرناک بوده ، زیرا دماغ را که مرکز تمام فعالیت های بدن و قلب است ، مسموم و ماءوف میسازد .
این نوع خونریزی دارای علایم ذیل است :
۱- مریض ناخود آگاه به زمین می افتد .
۲- مریض درست فکر کرده نتوانسته ، آهسته آهسته بیهوش میشود .
۳- سر درد شدیدی به بار می آورد .
۴- در بینائی آن اختلال پیدا میشود .
۵- عموماً مریض سرخ شده و هم یکدست و یک پای و یا هر دوی آنها از یکطرف فلج شده و دهن مریض هم بهمان طرف کج میشود .
۶- تنفس مریض آهسته و صدا دار شده و نبض وی بصورت متناوب آهسته و تیز میشود .
درینصورت باید که مریض را راست به پشت انداخته و سرش را بیکطرف بگردانید و متوجه باشید که دهن مریض بسته نشود ، اگر دندان مصنوعی داشته باشد ، دندانش را بردارید ، یخن و کمربند آنرا باز کنید و آنرا ذریعهٔ پتو بدون حرارت بخاری و یا مشکوله ، گرم نگهدارید ، روی پیشانی و سر آن ، یخ یا پارچهٔ که به آب سرد غوطه شده باشد ، بگذارید ، هیچگاه بآن ، آب ، غذا و مشروبات ندهید و بگذارید که استراحت نماید .

(ادامه دارد)

و جیزه های صحی

عقل سلیم در بدن سالم است .
صحت و تندرستی باعث ترقی و پیشرفت است .
توانائی و دانائی هر شخص بستگی به صحت و سلامتی آن دارد .

مولود محمد مصطفی (ص)

از خدای مهربانم مهربان آمد پدید — عقل کل پیغمبر آخر زمان آمد پدید

جسمش از بی سایه گی هیرگو را فاش کرد — رمز کنت کنز مخفی بر عیان آمد پدید

آیات لولاک، در نعتش گواهی میدهد — کز طفیلش خلقت کون و مکان آمد پدید

سرنوشت ماسوا، روشن شد از تشریف شان — مقصد از اسلام بود کاین جهان آمد پدید

همچنان کز درک کنه حق تعالی عاجزیم — مظهر ذات صفاتش همچنان آمد پدید

بر جبل در مکه اغوای خدائی محو شد — دست حق از آستین راستان آمد پدید

معنی لاتقنطو جسمم صراط المستقیم — رهبر عالم، شفیع امتان آمد پدید

پای بر چشم جهان بگذاشت آن واجب نما — تهنیت بر عالم کون و مکان آمد پدید

در شب مولود شان پیغام شورای جهان — فتح و پیروزیست بر افغانستان آمد پدید

نعت از شیدائی ناچیز است مسعود شان — کاین صدای جبرئیل از آسمان آمد پدید

آفرینش را بیک اصل جان آمد پدید
آنکه پیش از این جهان بعده همان آمد پدید

«شیدائی»



طوق آتش

بموطن صدقه تقسیم تو جان و تن ما احتیاطی که محیل است بسی دشمن ما

اندرین مقطع حساس ز تاریخ جهان که بخون شهدا گشته عجین میهن ما

اندرین دور که محصور قشون ستمیم اژدر سرخ زده حلقه به پیرامن ما

اندرین برهه که آماجگه تیر جفاست سینه های پسر و دختر و مرد و زن ما

اندرین فصل که در آتش سنگی سوخت کشت ما، حاصل ما، خوشهٔ ما خرمن ما

اندرین لحظه که تاراج اجانب گردد لاجورد و زر و سیم و سرب و آهن ما

اندرین وقت که بر سوگ عزیزان وطن به فلک بر شده از رنج و تعب شیون ما

اندرین دم که شده چو یکی معبر خون شهر ما، قریهٔ ما، کوچهٔ ما، برزن ما

روس با طرح دروغین زیلانه‌ای صلح خواهد این بار کشد باز سر از روزن ما

در صف ما و تو، آنگونه نفاق اندازد که شود مرکز آشوب و خلل مأمن ما

ما چو بر جان هم افتاده و خود را بکشیم او به آسودگی اشغال کند مسکن ما

خون آن قوم که ناحق بزمین میریزد لکه‌ای ننگ شود یکسره بر دامن ما



هموطن ای سر من بادفدای قدمت   ای ابرمرد قوی پنجه و شیرافگن ما

آه دزشر اگر در بدل تاج وقار   طوق آتش شود آویخته از گردن ما

اسفا گر من و تو عامل این کار شویم
غافل از تو طن ای خصم فسونگر شویم   "پیمان سوگوار"

****

نقش تصویر

سر نه پیچیدن ز دشمن شیوهٔ تیر است و من   رو بروی خصم رفتن کار شمشیر است و من

با تن صد چاک غلطیدن بخون آئین ما ست   همچو گل در خون تپیدن رسم نخچیر است و من

با دل صد چاک اندر دست آباد جنون   ناله و فریاد شیون کار زنجیر است و من

طرزیا در تربت آباد جهان آئینه سان   بودن ما نصیب نقش تصویر است و من

"طرزی"

«پیام شاعر»

ای صبا از من بگو با مردم افغانستان
با دلاور قهرمانان، باشجاعت پیشه گان

بر همه رزمندگان و بر همه آزادگان
باظفر مقرون بادا رزمتان پیکارتان

بیرق اسلام تان جاوید و هم پاینده باد

خاک پاک مستقل تان همیشه زنده باد

روس غارتگر، تجاوز کرده بر خاک شما
دست، تا پا کش بود بر دامن پاک شما

شد مبدل با محن، حال طربناک شما
باید اکنون پنجه پر زور و چالاک شما

گیر دش از حلق و بفشارد، که تا آن ملحدان

چشم خود دیگر نه دوزند سوی خاک دیگران

اندرین رزمی که بین باطل و حقست بپا
بی گمان پیروزی و نصرت بود زان شما

پاره گردد هر کجا، زنجیر استعمار ها
می شود هر ملتی زین یوغ بدبختی رها

واپسین، دم های استعمار آخر میرسد

روز مرگ، روس آدم خوار آخر میرسد

میهن آزادگان، آزاد خواهد شد بدان　　　این خرابی‌ها به‌آباد خواهد شد بدان

صید ما دور از ره صیاد خواهد شد بدان　　　ملت ما خرم و دلشاد خواهد شد بدان

آری آری، بهر وطن امروز نزدیک آمده

روزگار دشمن او سخت تاریک آمده

تا به امر حق برون انداختی پیکار سرخ　　　آتش را افکندی به جان دیو آدم‌خوار سرخ

بشکند بازوی پولادت در و دیوار سرخ　　　پاره شد از همت زنجیر استعمار سرخ

آری، استعمار باطل در حقیقت دشمن است

این سخن نزد تمام اهل دنیا روشن است

جمله در راه شهادت یکسره پوشیم کفن　　　تا چپی، خلقی و روسی را برانیم از وطن

دور سازیم از گلستان وطن زاغ و زغن　　　کوه و دامان وطن، دشت وطن سازیم چمن

پاک سازیم خاک پاک خود ز لوث ناکسان

با نیروی خداوند رحیم و مهربان　　　«ایما»

((د وحدت وږمــــــــــــه))

اعتصام په حبل الله کړی لوی شتسې دغه نعره ده
هرګلی چې شي يووالی کاميابي زرته وعده ده

ستو پرونه د ګمر و د ادی مخ نا بود یـــــــــږی
د زړونو تزویر او مکر به د وحدت په سره شیــــــــږی
د ا جدا امت جوړ تبا ته مطلوبان سره غونډ یـــــــــږی
دی هدف کښی پرشتیا خپل مرام هم تیـــــــــږی
تیار نو نسی پای د دی سپاوون رنیا ځیري ده هرګلی چې یووالی کامیابي زرته وعده ده

اتکړه په غرنګها رشوی د بند پانو خلاصون راغـــــــــــی
د یووالی صف جوړ شوی رغښتوب هم ستون راغــــــی
د رنځور ملت لپاره د رمل ګرا و روغتون راغــــــــی
کډو تیزم و رکیدو ته د ترخو شیبو ...ن راغـــــــــی
د بوی له برکته کړ پاچوف ختم دوره ده هرګلی چی شی یووالی کامیابي زرته وعده ده

چی کنډک کنډک د حلق تی وحدت پار کړه تحسین واپــــــــو
د یووالی چی خږ ب کړ آفرین په باندی واپــــــــو
وحدت امر د الله دی حکم د نبی په یقیـــــــــن واپـــــــو
د وحدت پر دښمنانو ترحم پا سه تر یـــــــــن واپــــو
د نفاق پر ترګید ته اوجت کری موجنـــده ده هرګلی چی شي یووالی کامیابي زرته وعده ده

دا شیا زړه ګی پا ځون دی د واحد و ســـــــر کښیـــــــو
دلته خپلی دی ماتی شوی دا لـــــی د د ګــــــو راګیـــــو
مو شایزم شمیول ګیـــری خپـر د لیـــــــــو نیــــو
لـــی شفیق زړه توپل په شی تقرب بهــــــــر نیــــــــو
افغانان دی خوشحالی کړی په روسانو د پرتمه ده هرګلی چی شی یووالی کامیابی زرته وعده ده

(د نظــــرمحمد شفیق اثــر)

قسمت سوم :

(عقیده بوجود خداوند "ج")

این تقدیر و اندازه نمودن خدای دانا و توانا است و موجود دیگری توان به ایجاد این نظام که بر وفق مصالح انسانها است ، نمی باشد .

و او است که برای شما ستارگان را طوری آفرید و نظام داد که (جهات گیتی را تشخیص دهید) و به راهنمائی شان در تاریکیهای بیابان و دریاها ، راه یابید و به مقصد خود برسید ، محققاً" نشانها و علامات هستی خود را با تفصیل و بطور روشن برای گروهی که می اندیشند و در نور دانش خود و اندیشیدن دانا میگردند بیان کردیم .

(و جعلنا اللیل و النهار آیتین فمحونا آیة اللیل و جعلنا آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلا" من ربکم و لتعلموا عدد السنین و الحساب و کل شئی فصلناه تفصیلا)

(سورهٔ اسرا)

گردانیدیم شب و روز را دو نشانه و علامت که دلالت کنند بر تعاقب یکدیگر و بر قدرت حکیم مطلق (ج)، و محو نمودیم علامت شب را که ظلمت است به اشراق آفتاب و ساختیم علامت روز را روشن که در آن همه چیز به بینند ، و طلب کنند در روشنی آن از فضل و مرحمت پروردگار خود ، تا بدانند به اثر اختلاف و حرکات شمس و قمر شمارهٔ سالها و مواسم اعمال و کارهای خود را و به دیگر امور وچیزهای که محتاجند از مهمات دینی و دنیوی ، در قرآن مفصلا" بیان نمودیم .

این نظام شگفت سماوی و همهٔ کراتش چون برای بهره برداری انسان ها آفریده شد، لذا مثلیکه انسان عمر محدود و زندگی تعیین شدهٔ در دنیا دارد ، همچنین روزی برای فنا و نابودی این اجرام فرا میرسد ، که از وقوع آن جز الله دیگری نمیدانند و این آسمانهای هفتگانه ، آفرینش سیارات درخشان ، کهکشانها و خورشید فروزان ، زمین و منظومهٔ شمسی با تمام شگفتیهای خود از هم فرو میریزد .

(اذا السماء انفطرت و اذا الکواکب انتثرت) سورهٔ انفطار .

وقتیکه آسمان بشگافد ، ستارگان از هم متلاشی و پاشیده گردد .

در اثر درخشش ، ستارگان همیشه هیدروژن خود را به هلیوم تبدیل نموده به مصرف میرسانند و ستارگان بطور عادلانه هیدروژن را به مصرف رسانده و سرانجام بعد از صرف هیدروژن های شان به انفجار خواهد گرائید و ستاره شناسان از مشاهدات متعدد و مطالعات دقیق خود نتیجه گرفتند که جرم ستارگان

نه تنها بر اثر تشعشع نورانی و گرما تقلیل میابد ، بلکه به اثر ذرات اتمی و الکترون ها نیز نقصان میپذیرد .

(فلا ماریون) ستاره شناس معروف میگوید :

(پیدایش شکوه و با جلال حیات در نتیجهٔ تبعیت منظومهٔ شمسی از نیروی جاذبهٔ عمومی و گریز از مرکز است ، زیرا نیروی جاذبهٔ عمومی همه اجزاء این جهان را ، از اتم گرفته تا ستاره ، بیکدیگر مربوط ساخته و سیر و حرکات آنها را بکمک نیروی گریز از مرکز تحت کنترول و نظم در آورده و در نتیجه یک نظم جهانی بر سراسر جهان برقرار ساخته است ، ولی خواه نخواه این نظم بهم خواهد ریخت و مرگ ستاره گان نیز فرا خواهد رسید و اختران همچو دانه های غلطان گلو بند از هم پاشیده و پراکنده گشته پا بفرار خواهند گذاشت .

این ماه که مرتبهٔ دومین جرم نورانی آسمان است و نزدیکترین همسایهٔ زمین ما میباشد ، در حدود چهارصد هزار کیلو متر از زمین فاصله دارد ، از ابتداء پیدایش تا کنون از زمین دور شده میرود که الآن در حدود ٤٠٠٠٠٠/ کیلو متر رسیده و طبق پیش بینی دانشمندان بعد از رسیدن بحد اکثر فاصلهٔ خود از زمین ، ماه بسوی زمین مراجعت نموده و مجاور زمین میگردد و بعلت جاذبهٔ قوی متلاشی خواهد شد .

(سر جیمس) دانشمند بزرگ هیئت ، در کتاب خود مینویسد :

(در آینده قمر رفته رفته بقدری به زمین نزدیک می شود که به آخرین درجهٔ نزدیکی میرسد ، در ین موقع که زمین به معرض خطر سقوط قرار گرفته .

تقدیر الهی که بر درهم ریختن ماه و از هم پاشیدن آن تعلق گرفته ، به مرحلهٔ اجراء گذاشته میشود .

(یسئل ایان یوم القیامه فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر ، یقول الانسان یومئذ این المفر) سورهٔ قیامه .

انسان از وقوع قیامت می پرسد : که چه وقت بر پا میشود ؟ آنگاه که دیده بدرخشد و ماه تخسوف کنند و خورشید و ماه جمع شود بیکدیگر ، در همچو روزی انسان از فرط

اضطراب و پریشانی میگوید: کجا است فرارگاه و بکجا پناه بریم؟ این حقایق را قرآن مجید قبل از هزار و چهار صد سال برای پیروان خود باز گو و اظهار نموده تا به واقعیت ها آشنا و هدف از خلقت را بوجه اعلی شناخته و زندگی را مطابق آنها پیش خود بدانند.

(اولم یروا ان الله الذی خلق السموات و الارض و لم یعی بخلقهن بقادر علی ان یحیی الموتی) سوره احقاف ۱۹

آیا فکر نمیکنند خداوندی که آسمانها و زمین را بدین ترتیب آفرید واز آفرینش آنها خسته و ناتوان نگردید، قادر است که مردگان را در روز رستاخیز بصورت نخستین زنده گرداند.

جهانی که کرهٔ مسکونی ما (زمین) در برابر آن به ذرهٔ ناچیزی میماند، به قدرت کاملهٔ خداوند (ج) دارای نظم و حساب دقیق بوده و هنگامیکه اراده اش در ازهم ریختن و پاشیدن آن تحقق پذیرد، از بین رفته و حالت کنونی اش تغییر می پذیرد لذا توانا است که بعد از بین رفتن آنها جهان دیگری بوجود آورد.

(ان الساعه آتیه لاریب فیها و لکن اکثر الناس لا یومنون) سورهٔ مومن.

قیامت بدون تردید آمدنی است ولی بیشتر مردم ایمان نمی آرند.

زمین در جنب این نه سقف مینا

چو خشخاشی بود بر روی دریا

تو خود بنگر کزین خشخاش چندی

سزد گر بر بروت خود بخندی

(زمین مهد آسایش)

اکنون در رابطه به مسائل زمین و اسرار نهفتهٔ که درین مهد آسایش انسانها به ودیعت نهاده شد، مختصراً مطالعه و درین زمینه از ارشادات کتاب حکیمانهٔ قرآن و علوم روز استفاده نموده، درس تازهٔ توحید و یکتا پرستی را از مشاهدات اجسام موجودهٔ روی کرهٔ مسکونی خود (زمین) فرا گیریم.

(ادامه دارد)

قسمت دوم :

(یک قصه از سرداران قصـــــه)

هنوز بوی عطر حمزه ، مشام را ترک نکرده بود که جنازهٔ زبیر با (۲) جوان دیگر از قریهٔ ما بدوش برادران مسلمان بخانه رسید ، خمیده بر سر فرزند برومند نگاه کردم ، عرق با جبین و تبسم بلب داشت ، من فکر کردم که پسر زنده است و چنان عطر آگین داشت که او را بآب گلاب آنرا غسل داده اند ، زبیر را در پهلوی برادر بزرگش گذاشتیم و شب را به ثنا و دعا برای مجاهدین راه خدا (ج) به صبح رساندیم ...

فردا ساعت ۶ ـ هر دو یار همرزم و همسفر و همعقیده را با آرامگاه ابدی بزرگوارشان انتقال داده و با تکبیر گویان آنها را بجوار ملکوتی سپرده و بعد از تدفین ، موقع برگشتن بخانه دیدم که حسن و حسین با ۲ میل سلاح به غنیمت گرفته شده ، طرف ما آمدند و از شهادت برادران خود مطلع بودند ، با هم طرف آرامگاه شهداء رفتیم بعد از اتحاف و ادعیه بروح تمام شهداء این رستاخیز خجسته و نیکو ، تفنگ ها را بالای مقبرهٔ شهداء گذاشته و گفتند : برادرانم ! جنت الفردوس و جام شهادت گوارای تان باد ، ما بشما اطمینان میدهیم که انتقام خون پاک شما را از روسهای کثیف و عمال پلید شان خواهیم گرفت و این مرمی ها را بیاری ایزد منان بقلب ناپاک آنها فرو خواهیم برد ، موی سفیدان و پیرزنان ما را بخانه هدایت فرمودند ، بعد از چند ساعت دعا بروح شهداء اسلام ، هر دو برادر حسن و حسین با تعدادی از جوانان محله راهی شهر شدند ، تا بکمک و یاری دیگر برادران خود برسند ، مردم همه بخانهٔ ما آمده بودند و از شجاعت ، شهامت حمزه و زبیر صحبت ها می نمودند ، یکی از موی سفیدان گفت : زمانیکه به شهر رسیدیم ، حمزه مانند یار با وفاء حضرت محمد (ص) ، حضرت حمزه (رض) بمیدان جنگ شتافت و چنان با دشمن جنگید که همه جوانان را بوجد آورد ، چشمان اشک آلودم متوجه قامت رسا و شیر دلی حمزه بود ، ناگاه دیدم که شکم آن پاره و قسمتی از جگر آن بیرون ، اما با دستهای آنها را داخل شکم نمود و تکبیر گویان طرف دشمن میدوید ، تا آنکه بزمین افتاد ، من و چند نفر دیگر خود را باو رسانیده و جنازهٔ آغشته بخون آنرا بآغوش گرفته و طرف قریه روان شدیم

ببینید ایثار ، شهامت ، غیرت و مردانگی این رادمرد تاریخ را این الگوی تقوا و مبارزه.

درین هنگام یکی دیگر صحبت آن موی سفید را قطع نموده با آنکه قطرات اشک از چشمانش جاری بود ، گفت : شیر مادر حلالت باد ای سردار رشید اسلام ، ای یکه تاز میدان معرکه و جهاد . بعد یکی دیگر از دوستان گفت : من و زبیر دوشادوش پرچم پر افتخار اسلام را حمل مینمودیم که مرمی دشمن به بازوی چپ زبیر اصابت نمود او با شهامت دستمالیکه به جیب داشت بیرون آورده و بمن گفت : بازویم را ببند من هم بستم ، درست چند قدمی بر نداشته بودیم که مرمی دیگر دشمن به طرف ما شلیک شد و فریاد (لا اله الا الله) چنان گوینده بود که گویا بلال حبشی فریاد

میزند ، بعد گفتم ، زبیر تیر خوردی ؟ گفت : فریاد بکش (لا اله الا الله) چند بار با هم تکبیر گفتیم و زبیر بزمین افتاد ، دیدم که مرمی دشمن سینهٔ آنرا شگافته است ، پرچم را بدست برادر خود حسن داد و گفت نگذارید که بیرق (لا اله الا الله) و (محمد رسول الله) بزمین بیفتد ، این است شهامت و شجاعت راستان تا تاریخ .

ما همه گرم قصه بودیم که حسن با چند تن دیگر از برادران ، یکنفر ضابط روسی را اسیر گرفته و دست بسته آنرا بقریه آوردند ، مردم طرف آن هجوم آوردند ، حسن گفت : ای ها درانیکه دیگر گوشه های شما شهید شده اند ، بیائید انتقام خون عزیزان خود را از این روسها فرو جنایتکار بگیرید !

زنان با شهامت افغان با کارد و چوب بآن حمله نموده ، چند دقیقه نگذشت که آنرا راهی جهنم ساختند . حسن و دیگر یارانش خدا حافظی نموده رفتند حسن بعد از چهار سال جهاد و مبارزه با اشغالگران روسی و مزدوران نابکارشان بالاخره در یک جنگ رویاروئی بدرجهٔ رفیع شهادت نایل گردید .

(روحش شاد و یادش گرامی باد) ★★

حسین با همان عشق و علاقه کامل و ایمان سرشار یکه به معبود خویش داشت بجهاد مقدس و بمبارزهٔ بی امان خود ادامه داده و روز بروز جنگجو تر و آبدیده تر میشد و همه مردم از صداقت ، اخلاص ، توکل و ایمان قوی آن ، ستایش مینمودند .

تا اینکه در این اواخر در یک عملیات دست جمعی که بالای پسته های دولت کمونست ها داشتند ، تکبیر گویان خود را بداخل پسته انداخته بعد از مردارنمودن ۲- ضابط و ۴- ملیشی خود را بقافلهٔ برادران شهید یکه قبلاً " بفیض عظیم شهادت نایل شده بودند با پرواز ملکوتی به سوی معبود خویش میرساند . خلد برین جنت الفردوس و شربت شهادت گوارای تان ، من و شوهر و دخترم بعد از اینکه خانه و کاشانهٔ ما ویران و اموال ما بیغما برده شد ، در یکی از قریه ها بطور همسایه نشینی مهاجر گردیدیم ، یک هفته کامل نگذشت که موشک های دور برد دشمن سفاک و بیرحم بآن خانه که سکنا داشتیم اصابت ، دختر و شوهرم زیر آوار رفته ، بعد از چند دقیقه با توبه و کمک اهالی منطقه از زیر خاکها بیرون آورده شده ، اما هر دو پسر و دخترانم جان را بجان آفرین سپرده و برحمت حق و بسراغ عزیزان و برادران خویش شتافتند . روحشان شاد و راهشان مستدام باد . این بود گوشهٔ از جنایات روس و رشادت و پایمردی ایثار و فداکاری این ناصیل نجیب و بیشتر و شهید پرور .

آری هستند بسی مادرانیکه همچو این زن مؤمنه در گلیم سیاه تنهائی و در گوشهٔ غربت و آوارگی ، شب و روز بخاطر آزادی وطن و کشور اسلامی شان دعا [illegible] .

ما ضمن عرض تسلیت به تمام فامیل شهداء عزیز انقلاب اسلامی افغانستان و با امید پیروزی شما مجاهدان و لشکریان اسلام و پیاده نمودن احکام قرآن و برافراشتن لوای توحید در سرزمین شهید پرور لاله گون افغانستان مظلوم دست بدعا از بارگاه تبارک و تعالی مینمائیم که بآرزوی اشک چشم مادران داغدیده، بآه و ناله اسیران دربند کشیده، بسوز جگر از یتیمان بیوسیله، به اندوه عروسان جوانیکه در گوشه غربت و تنهائی اشک میریزند ملت مؤمن افغان را در این جهاد مقدس شان پیروز، موفق و مؤید بگرداند و سرزمین اسلامی ما را از لوث وجود ارتش منحوس کمونیسم و تبهکار روس و عمال سفاک و بیرحمش پاک و صفا را بر طلعت محبوب ما بآرزوی کامل خودت بسر نماید.

(آمین یارب العالمین) والسلام.

(عبدالعزیز "مسلم")

بسمه تعالی

خواننده نهایت گرامی برادر عبدالوهاب !

نامه‌ای مفصل شما که حاوی بعضی یاد آوری ها و اصلاحاتی در طرز طبع مجله توحید سنگر بود، به اداره مجله واصل، از التفات که درباره بهبودی طبع این مجله دارید اظهار امتنان مینمائیم.

موارد اصلاحی ۱-۲ شما در شماره سوم تعدیل شده که شاید از نظر شما گذشته باشد.

نظریه سوم شما در ستون صحیح و غلط این شماره نیز توضیح گردیده است، در قسمت اخیر که مطالب معرفی شخصیت های اسلامی وانقلابی افغانستان شده اید، انشاء الله در آینده مورد نظر خواهد بود. بامید همکاریهای بیشتر شما.

(اداره)

قسمت دوم

هجرت به مدینه منوره

(مضمون)

بعد از سه شب که رسول خدا (ص) با یار غار ش ابو بکر صدیق رضی الله عنه در غار ثور بسر بردند، راهنما (بدیل بن ورقاء) با شتران رسید و بطرف مدینهٔ منوره راه افتادند، روز دوازدهم ربیع الاول به (قبا) رسیدند و آغاز تاریخ هجری از آن روز محسوب بود ولی بعد به اول محرم برگردانده شد، و این اولین تاریخ جدید ظهور اسلام بعد از گذشت سیزده سال بر آن میبا شد ..

سیزده سال که اسلام در نهایت درجه فشار بود، رسول خدا (ص) از عبادت آشکار پروردگار منع میشدند، با این هجرت سنت انبیاء کرام را زنده کرد، چون هر پیغمبر که از سرزمین و از میان قومی بر خاسته، حتما" از آن دیار هجرت کرده است، از ابراهیم پدر انبیاء علیهم السلام گرفته تا به حضرت عیسی پسر مریم برسد.

پیغمبر (ص) هنگام اقامت در (قبا) مسجد آنجا را بنا نهاد، همان مسجد که خداوند در کتاب خود ش از آن یاد میفرماید:

(لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم) مسجد که از روز اول بر پرهیزگاری تأسیس شده.

سپس پیغمبر اکرم (ص) بعد از بیست و دو روز قبا را ترک گفت و در میان راه بنا جمعه مصادف گردید و نماز جمعه را با مسلمانانیکه همراه داشت و بتعداد صد نفر بودند، بجای آورد. نخستین نماز جمعه در اسلام همین بود.

بعد از ادای نماز جمعه پیغمبر اکرم (ص) سوار بر شتر در حلقهٔ یاران که همه شمشیر های خود را حمایل کرده بودند، برای ورود به مدینهٔ منوره حرکت کردند بی مناسبت نیست در این جا از خوشحالی مردم مدینه بقدوم رسول خدا سخن بمیان آید که چگونه زنان و نوجوانان و کودکان به استقبال بیرون آمده بودند و با شور و شوق دف زنان و کف زنان این اشعار را به آواز میخواندند.

اشرق البدر علینا   من ثنیات الوداع
وجب الشکر علینا   ما دعا لله داع
ایها المبعوث فینا   جئت بالامر المطاع

****

بدر او از کرد نه گشتی عیان   تا ابد فرض است برما شکر آن
آمدی با امر مقبول و مطاع   ای که بگزیدت خدای لا مکان

چون پیغمبر (ص) در مدینه استقرار یافت، بدنبال اهل و خانواده اش که در مکه مانده بودند فرستاد، بهمراه آنها عبد الله (رض) پسر حضرت ابابکر صدیق (رض) نیز با خانوادهٔ پدرش از آن جا خارج شد، مشرکین از مهاجرت پارهٔ از مسلمانان

مستضعف جلوگیری بعمل آوردند و آنها را حبس کرده و آزار میدادند.

پیغمبر اکرم (ص) در سال اول هجرت "مسجد" را در مدینه منوره بنا نهاد و برای تشویق مسلمانان به کار و کوشش خود شخصاً" در عملیات ساختمان شرکت می فرمود.

در همان سال اذان مشروع گردید تا مسلمانان بر اوقات نماز مطلع شوند و در مساجد حضور بهم رسانند.

چون یهود مدینه متوجه شدند که اسلام در آنجا پا برجا شده و موقعیتش استوار گردیده است، آتش کینه و حسد در قلب شان بجوش آمد، در صورتیکه پیش از بعثت این پیغمبر (ص)، همیشه منتظر بودند تا پیغمبری مبعوث گردد که آنها را یاری نموده و بر علیه مشرکین و کفار به همیاری اش پیروز گردند، و در این مورد بیکدیگر نوید میدادند (وکانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا) ولی خودخواهی و جاه طلبی چشم و عقلشان را کور کرد و با او به مخالفت برخاستند (فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنة الله علی الکافرین) و عده ای از منافقین مدینه که سردسته شان عبدالله بن ابی سلول خزرجی بود، با آنها همدست شدند.
براثر آن رسول خدا با یهود مدینه پیمان بست که اگر آنها از اذیت و آزار مسلمانان دست بکشند، او هم کاری به کار آنها نداشته باشد.

(لباب الخیار فی سیرة المختار، باندک تصرف)

بگشتورن

محمد اسماعیل

کسانیکه برضد سنگرهای رزمندگان از مرزها توطئه میکنند، آنها اشخاص بی احساس و بی [illegible] میباشند، آنها کسانی هستند که نه همت آنرا دارند که در داخل به جهاد شرکت کنند و نه غیرت آنرا دارند که از آبلهٔ کف دست، نانی را تهیه کنند. فقط آنها با تبلیغات زهرآگین علیه این سنگر و آن سنگر، مشت پول هرایی را بدست می آورند و به زندگی کثیف خود ادامه میدهند.

شهدای گرانقدر ما که جسماً از ما دور گشتند، به مادر انقلاب دادند و نهال انقلاب عظیم اسلامی افغانستان را با خون خود آبیاری کردند.

* * * * *

ما شیفتهٔ بزرگی و مقام نیستیم، ما عاشقان راه الله (ج) ایم.

* * * * *

ملت ما نه تنها روس را شکست داده است، بلکه تجزیهٔ روس با آزادی افغانستان شروع خواهد شد.

قسمت سوم

نهضت اخوان المسلمین

مسیر فعالیتی از قاهره تا شهادت

در قاهره حسن البنا علاوه بر پیگیری اهداف اصلی این جمعیت اسلامی مبتنی فعالیتهای آموزشی و تبلیغی و سیاسی خود را ابتدا در شش بخش زیر ادامه داد . (۱)

۱- تشکیل کلاسهای درس در روزهای سه شنبه در مساجد ، و نیز ایراد **سخنرانیه** در مجامع عمومی .

۲- کوشش برای احیاء اعیاد و روزهای تاریخی اسلامی بوسیلهٔ تشکیل **سخنرانیها** و جشنها و غیره .

۳- دستهٔ مرکزی تبلیغ را در **پوهنتونها** و موسسات علمی قرار دادن ، و تأسیس انجمن های دانشجوئی اسلامی با اهداف جمعیت .

۴- انتشار و پخش کتب و اعلامیه ها .

۵- انتشار و پخش نوشته های جمعیت .

۶- چاپ و انتشار مجلهٔ اخوان المسلمین .

۷- تنظیم کنفرانسهای مختلف سالیانه .

برای سازماندهی جمعیت در جهت ارائه آراء و افکار سیاسی و نظامی آن ، اولین اساسنامهٔ جمعیت که در سال ۱۳۴۷- هجری بتصویب رسیده بود چاپ و منتشر شد . و آنگاه در جهت فعالیتهای مخفیانه ، اولین شمارهٔ هفتگی مجلهٔ اخوان المسلمین در تاریخ ۲۸ صفر ۱۳۵۲- هجری منتشر شد . و سپس در ۲۹ ربیع الاول ۱۳۵۷- هجری مجله ای دیگر بنام (النذیر) منتشر گشت که اهداف سیاسی جمعیت را ارائه میداد .

جمعیت دارای روزنامهٔ خبری - آموزشی بود که هر روز توسط اعضاء بشکل وسیع و بی سابقه ای بین مردم پخش میشد . و در کنار انتشار روزنامه کارهای اقتصادی جمعیت نیز در دستور کار قرار گرفت و ادارهٔ برای هماهنگی و برنامه ریزی جلسات تبلیغی تشکیل شده بود .

---

(۱) - الشیخ حسن البنا و مدرسته ، دکتر شلبی - ص ۲۰۱ - ۲۰۲

در این زمان کارهای سیاسی جمعیت جنبهٔ اصلاح طلبی داشته و توسط پیامهای که از طرف حسن البنا به حکام فرستاده میشد، تذکر میگردید، که میتوان نمونهٔ زیر را شاهد آورد .

در ماه [illegible] سال [illegible] از طرف حسن البنا پیامی به جمیع روٴسا و حکام کشورهای اسلامی ابلاغ شد . در این پیام مفصل علت انحطاط مسلمانان سراسر جهان عدم پیروی از دستورات اسلام است آمده است و در پایان آن پنجاه دستور عملی اصلاحی ذکر گردیده (۱) که مقداری آنرا در زیر می آوریم :

اولاً : در مسائل سیاسی و قضائی :

۱- عدم تشتت و اختلاف کلمه در بین مسلمین و ارشاد مردم در جهت پیگیری یک روش کاملاً اسلامی تا همه در یک صف مرصوص قرار گیرند .

۲- الغای قوانین استعماری و جایگزین نمودن قانون مقدس اسلام بجای آن قوانین .

۳- تقویت قدرت اردو بوسیلهٔ شرکت فعالانهٔ جوانان مسلمان در آن و بوجود آوردن حماسهٔ جهاد اسلامی در قلوب آنان .

۴- تقویت ارتباطات و روابط بسیار محکم بین همهٔ کشورهای اسلامی تا مقدمات خلافت اسلامی بصورت جدی فراهم آید .

۵- انتشار روحیهٔ اسلامی در ادارات دولتی و وفق دادن اعمال شان به دستورات [illegible] اسلام تا همه [illegible] بدانند که [illegible] احکام اسلامی هستند .

۶- مراقبت در رفتار کارمندان تا از مقررات اسلامی انحراف نجویند .

۷- مدت زمان کارهای روزانه باید در رابطه با فرصت دادن بر برپائی فرائض باشد .

۸- ممنوع کردن رشوه گیری در تمامی ادارات .

۹- بایستی تمامی اعمال دولت با میزان احکام و تعالیم اسلامی سنجیده شود .

۱۰- [illegible] از وظائف نظامی و اداری را با [illegible] فارغ التحصیلان [illegible] مانند الازهر [illegible] .

---

(۱) - مذاکرات الدعوة و الداعیه - حسن البنا ص ۲۲۰-۲۲۴ .

ثانیاً : در مسائل اجتماعی و علمی :

۱- آداب مذهبی اسلامی در میان مردم به اجراء گذاشته شده و ساحهٔ عملی داشته باشد .

۲- حقوق راستین زن مسلمان را در جامعه مشخص گردد ، تا از همه گونه پیشرفت صحیح بنا بر تعالیم اسلام برخوردار است .

۳- ممنوعیت قطعی زنا در جامعه و تطبیق نمودن حدود اسلامی بر فاعلش .

٤- ممنوعیت مطلق قمار و جزا دادن قمار باز طبق حدود اسلامی .

٥- ممنوعیت مطلق مسکرات و منع ترویج در این زمینه و جزا دادن عوامل اشاعهٔ مسکرات مطابق قانون قرآن .

٦- الزام زنان برای داشتن حجاب اسلامی ، و در صورت تخلف تعزیرات شرعی در این باب اجراء گردد .

۷- برنامه ریزی صحیح برای آموزش دختران تا جنبهٔ اسلامی داشته باشند .

۸- عدم اختلاط بین محصلان دختر و پسر .

۹- تشویق جوانان به ازدواج .

۱۰- ممنوعیت مطلق سالون های رقص .

۱۱- مراقبت و رسیدگی به فیلم سینما و تیاتر .

۱۲- رسیدگی به وضعیت موسیقی و برخورد به آن طبق مقررات اسلام .

۱۳- حسن انتخاب [illegible] رادیو که از ترویج اخلاق اسلامی برخوردار باشند .

۱٤- رسیدگی به مقالات و روزنامه ها که ایراد شده میکنند و منع انتشار آنها .

۱٥- برنامه ریزی برای [illegible] بر پایهٔ مقررات اسلامی .

۱٦- مراقبت و رسیدگی به [illegible] .

۱۷- استفاده از [illegible] برای تشکیل کلاسهای مبارزه با بیسوادی .

۱۸- مبارزه با عادات ناپسند ، رسوم و تغییر اعتقادات به روشنایی صحیح اسلامی .

۱۹- جزا دادن کسانی که عملاً بعضی از احکام اسلامی را بصورت آشکار زیر پا میگذارند .

۲۰- تشکیل ادارات مبارزه [illegible] ها و استفاده از مساجد در اینمورد .

۲۱- قرار دادن آموزش دینی بعنوان یک مادهٔ اساسی درسی در تمامی مدارس و پوهنتون ها .

(ادامه دارد)

(شهید معلم مردان "حنیف")

شهید معلم محمد مردان حنیف در یک خانوادهٔ متدین در قریهٔ کسلا تپهٔ "علم خان" مربوط ولسوالی (انار دره) ولایت فراه چشم به جهان گشود و در ایام کودکی علوم دینی را فرا گرفت و برای کسب تحصیل به ولایت هرات مسافرت نموده، نظر به لیاقتی که داشت، در سال (۱۳۴۵) در مدرسهٔ فخر المدارس به صنف چهارم شامل شد و همه ساله به درجهٔ عالی کامیاب و در ایام تحصیل به مبارزات اسلامی گام برمیداشت و در سال (۱۳۴۷) رسماً به عضویت جنبش اسلامی پیوست و در داخل مدرسه چندین بار با کمونستها برخورد نمود، تا اینکه خودش نیز جراحت برداشت و مدتی در شفاخانه بستری شد و در سال (۱۳۵۲) از صنف (۱۲) فخرالمدارس فارغ و در ولایت نیمروز بحیث معلم علوم دینی مقرر گردید و در زمان حکومت دست نشاندهٔ روسها، مهاجر و سپس به جهاد مسلحانه علیه روسها و ایادی دست نشاندهٔ شان شروع کرد.

معلم مردان "حنیف" که خود مسئول یکی از جبهات جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت فراه بود. بعد از یک سلسله فعالیت های قهرمانانه بالاخره در یک نبرد رویا رویی با دشمن متجاوز "روسیهٔ اشغالگر" بدرجهٔ رفیع شهادت نایل آمد.

(روحش شاد و راهش پر رهرو باد)



الشهید لا یجد ألم القتل الا کما یجد احدکم مس القرصة.

(رواه طبرانی)

شهید درد و الم کشتن را نمی چشد و قبض روح شهید مانند اینست که یکی از شما باطراف انگشتان چیزی را بفشارد. پیامبر اکرم (ص)

(شهید دگرمن محمد رسول)

شهید دگرمن محمد رسول فرزند سید محمد مسکونهٔ جبکان مرکز ولایت هرات یکی از آن قهرمانان بینظیر بود که بخاطر اعلای کلمة الله و پیروزی انقلاب اسلامی و نابودی کفر و الحاد لحظهٔ آرام نشستن را بخود ننگ میدانست و جان و مال و فرزند را در خدمت انقلاب اسلامی قرار داد و خاطرات دوران شجاعتی برای همه مسلمانان برجا گذاشت .

شهید دگرمن محمد رسول در سال (۱۳۱۶) در ولایت فراه در یک خانوادهٔ متدین دیده بجهان گشود ، از ابتدای سن صغارت عشق به خدا و قرآن در قلبش جا گرفته بود ، در سال (۱۳۲۲) شامل مکتب گردید و تا صنف ششم را در زادگاهش ادامه داد و در سال (۱۳۲۸) در لیسه حربیهٔ ولایت کابل شامل شد و تا صنف (۱۴) در ولایت مذکور تحصیلات خویش را بپایان رساند ، در سال (۱۳۳۶) در ولایت هرات ضابط بلوک گردید ، در سال (۱۳۳۹) به رتبهٔ بریدمن و در سال (۱۳۴۲) لمری بریدمن ، در سال (۱۳۴۴) تورن ، در سال (۱۳۴۶) بجهت خواندن کورس مسلکی عازم کابل شد ، در سال (۱۳۴۸) بعد از اتمام کورس مذکور دوباره تبدیل به هرات گردید ، در سال (۱۳۵۰) جگرن و در سال (۱۳۵۴) دگرمن و آمر اپراسیون غند ۷۰ فرقهٔ (۱۷) هرات گردید .

درسال (۱۳۵۷) با بقدرت رسیدن رژیم کافر تره کی که جز پیاده کردن قانون کمونستی در سرزمین اسلامی افغانستان آرزوی دیگری نداشت ، این شهید پاکباز با درک مسئولیت الهی خویش شروع بفعالیتهای سیاسی در بین مردم نمود و همقطاران مسلمان خویش را برای قیام برعلیه رژیم ملحد مخفیانه راهنمائی میکرد تا اینکه در روز پنجشنبه ۲۴/۱۲/۱۳۵۷ - قیام قهرمانانهٔ وانقلاب دشمن ستیز شهید پروران هرات برپا گردید . وی همراه دیگر برادران مسلمان صاحب منصب و همکار خویش زمینهٔ قیام فرقهٔ (۱۷) را طرح ریزی نمودند و بعد از ظهر شنبه ۲۶/۱۲/۵۷ - قیام قهرمانانهٔ عساکر و صاحب منصبان را آغاز نموده ، ابتداء مرکز فرقه را از لوث کافران روسی و افغانی پاکسازی نموده بعداً " با به اهتزاز درآوردن بیرقهای سفید برفراز تانکها بسوی دیگر مراکز دولت مزدور بالخصوص مقر ولایت در حرکت شدند ، این شهید با تنی چند همراه عساکر و صاحب منصبان همرزم خویش هفت شبانه روز با کافران داخلی و خارجی جنگیدند و تعداد (۷) فروند جت جنگی و (۴) فروند هلیکوپتر را سرنگون و فرماندهی این قیام بدوش این شهید قهرمان بود ، بعد از بمباردمان فرقه و نواحی شهر توسط جتهای روسی که از میدان هوائی تاشکند هدایت میشد ، فرقه بدست ملحدین مزدور افتاد و این شهید راه حق بخانهٔ خویش مراجعه و با پوشیدن لباس شخصی عازم دهات و اطراف شهر بسرای

ادامهٔ این قیام میشود ، این شهید همراه با یکعده برادران مسلمان جبههٔ مرکزی در چنارک کلاه الیاس (دهتهٔ ذوالفقار) تشکیل و نسبت به ابتکار و فعالیت جهادی ، از طرف برادران بصفت آمر عمومی چندین جبهه تعیین گردید و روی پایگاه مذکور (۷) بار تعرض نیروهای ملحد را بفضل خداوند (ج) سرکوب کرد و عملیات های متعدد بیشماری در ولسوالی ها و مرکز شهر هرات انجام داد و سلاحهای سبک و سنگین زیادی بغنیمت درآورد ، تا اینکه بتاریخ ۵۹/۱/۱۸ با تعرض بیش از (۴۰۰) دستگاه تانک در غرب هرات در یک نبرد رویاروئی جام شهادت نوشید و به دیدار معشوق شتافت .

(روحش شاد و یادش گرامی و راهش مستدام باد)

****

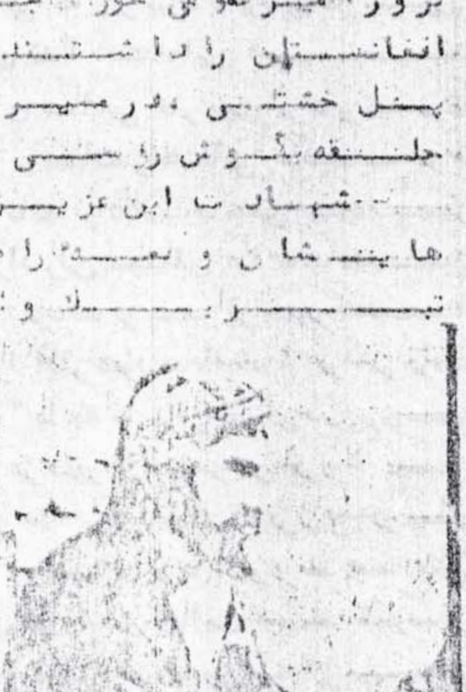


(خاطرهٔ شهید قاری خلیل احمد جان)

شهید قاری خلیل احمد جان ، جوان دلیر و قهرمان همیشه در سنگر ، از چند سال بدینطرف به صف پیکارگران و رزمندگان همیشه پیروز پیوست ، این رزمندهٔ آگاه و هدفمند ، درحالیکه همیشه در نبرد و ستیز با نیروهای اهریمنی و ایادی شان مصروف پیکار بود ، بتاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۹ - در یک توطئهٔ از قبل طرح ریزی شده توسط ایادی استکبار جهانی که قصد ترور امیر عمومی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان را داشتند ، در یک نبرد چند ساعته در منطقهٔ پل خشتی ، در مسیر غوریان - پرناباد توسط نوکران حلقه بگوش روسی بدرجهٔ رفیع شهادت نایل آمد .

شهادت این عزیز گرانقدر و سایر شهدا را به خانواده هایشان و همهٔ راهیان خط سرخ شهادت تبریک و تسلیت عرض نموده

و راه این شهیدان ما کشتگان را تا نابودی کفر و الحاد ادامه خواهیم داد .



قربانی های ما وقتی به نتیجه میرسد که حکومت اسلامی در افغانستان مستقر شود . " پروفسور ربانی "

(شهید شیخ عبد القدوس جامی)

شهید عبد القدوس جامی یکی از قافله سالاران کاروان شهدا است.
شهید جامی در سال (۱۳۳۶) در شهر باستانی هرات در یک خانواده متدین و مبارز دیده بجهان گشود و به سن هفت سالگی وارد مکتب گردید و تحصیلات خود را در لیسه جامی هرات تا صنف ۱۲ ادامه داد و بعد پس از روی کار آمدن رژیم کمونستی در افغانستان به مبارزه و جهاد علیه این رژیم آغاز نمود و دوشادوش برادران رزمنده خود در شهر هرات به جهاد و مبارزه ادامه داد و بعد از شهادت برادر عزیزش "محمد معروف جامی" بسمت مذکور، مجاهد (شهید محمد معروف جامی) در امارت عمومی حوزه جنوب غرب افغان وظیفه مینمود، تا اینکه در اثر یک توطئه ناجوانمردانه، توسط دشمنان اسلام و مسلمین بتاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۶ در منطقه (کوهستان) اسحیل هرات بشهادت نایل آمد.

(روحش شاد و یادش گرامی باد)

یشفع الشهید فی سبعین من اهل بیته.

رسول اکرم (ص)

شهید میتواند با اجازه خدای متعال، هفتاد نفر از اقوامش را شفاعت کنند.



پیامبر گرم:
جاهدوا المشرکین باموالکم وانفسکم والسنتکم

از آنجائیکه ملت مومن و سلحشور ما با تعهد دینی و عقیدتی خود وارد صحنهٔ پیکار و مجاهده شده اند، همه روزه شاهد آنکه در راه مبارزهٔ شان واقع گردد، با کمال صبر و بردباری و تحمل با همهٔ مشکلات دست و پنجه نرم نموده و وحشی ترین ابر جنایت جهان (روسیهٔ متجاوز) را به شکست فاحش روبرو ساخته اند ومرکبارترین ضربات را بر نیروهای اشغالگر و دست نشاندهٔ آنان بخصوص شهر خون و قیام هرات وارد ساخته اند.

گزارشات واصله چنین است:

بتاریخ ۳/۶/۶۷ مجاهدین برادران جبههٔ شهید عبد الرسول مربوط امارت غوریان مقیم درهٔ ذوالفقار در یک کمین گیری پنج میل سلاح روسی را از قوای دشمن به غنیمت گرفتند.

بتاریخ ۱۵/۶/۶۷ در یک کمین گیری دیگر مجاهدین امارت غوریان در منطقهٔ چاه گل کل موفق شدند (۷) میل سلاح را به غنیمت خود درآورند.

بتاریخ ۱۹/۶/۶۷ مجاهدین جان برکف فرقهٔ حضرت حمزه (رض) طی حملات موفقیت آمیزی که بالای پسته های سید احمد ملیشه از منطقهٔ درقره تا سه پلک و دوکانهای علاقه دار انجام دادند، در نتیجه ده پسته تخریب و به تصرف مجاهدین اسلام درآمده، تعدادی از ملیشه های مذکور کشته و یا زخمی شدند.

همچنان بتاریخ مذکور مجاهدین امارت غوریان در یک حملهٔ موشکی بالای لوای دوپشته موفق شدند (۱۰) تن از سربازان و صاحب منصبان (افسران) دولت مزدور را کشته و تعدادی را زخمی نمایند.

درین عملیات (۴) تن از سربازان بشمول یکتن از صاحب منصبان (افسران) دولت مزدور نیز به مجاهدین پیوستند، درین عملیات (۱۰) میل (قبضه) سلاح به غنیمت مجاهدین اسلام درآمد.

همچنان بتاریخ مذکور با فیر موشک که در بعهٔ مجاهدین قهرمان امارت غوریان بالای لوای (پنج سرحدی) صورت گرفت، در نتیجه سه تن از سربازان دولت مزدور کشته و یکعراده کاز هشت سلندر روسی (کاز مبین نفر بر) منهدم شد.

مجاهدین پرتوان امارت غوریان در یک کمین گیری در شاهراه هرات اسلام قلعه، بالای قطار تانکهای دشمن انداخت (آتش) نموده که خسارات زیادی بدشمن ملحد وارد آمد، و از تلفات جانی دشمن تا کنون گزارشی نرسیده است.

مجاهدین امارت غوریان در یک حملهٔ موفقانه بالای ملیشه های و لسوالی زنده جان (پوشنگ) ۸ سنگر فاعی دشمن را منهدم ساختند.

شب ۱۹/۶/۶۷ مجاهدین غند حضرت ابوبکر صدیق (رض) و مجاهدین غند حضرت عثمان غنی (رض) طی یک حملهٔ موشکی که بالای ولسوالی شهرک انجام

داده‌اند، در نتیجه تلفات و خسارات زیادی به دشمن وارد آمد و نیز بتعداد (۷۵) تن از ملیشیان دولت مزدور به مجاهدین اسلام پیوستند.

بتاریخ ۶۷/۶/۱۹- مجاهدین جانبرکف امارت غوریان طی یک حملهٔ ماهرانه بالای لوای سرحدی موفق شدند (۵) تن از خود فروختگان دولت مزدور را بهلاکت برسانند و (۵) تن دیگر را به اسارت خود درآورند، در این عملیات (۶) میل (قبضه) کلاشنکوف به غنیمت مجاهدین اسلام درآمد.

همچنین بتاریخ مذکور، مجاهدین امارت غوریان طی یک عملیات منظم در شاهراه هرات اسلام قلعه، موفق شدند یکعراده جیپ فرماندهی دولت کابل را منهدم و تمام سرنشینان آن را بهلاکت برسانند.

بتاریخ ۶۷/۶/۲۰- مجاهدین جانبرکف امارت زنده جان (پوشنگ) طی یک عملیات موفقیت آمیز در شاهراه هرات اسلام قلعه، موفق شدند یکعراده موتر (ماشین) تویوتا و یکعراده موتر هشت سلندر روسی (کامیون نفربر) را توسط فیر راکت منهدم و تمام سرنشینان آنها را بهلاکت برسانند.

بتاریخ ۶۷/۶/۲۳- رئیس شئون باصطلاح اسلامی دولت مزدور پر هرات بنام صاحب زاده نثار احمد یکتن از خود فروختگان دولت کابل، طی یک پلان از پیش طرح شده، توسط مجاهدین دلیر اسلام بهلاکت رسید.

بتاریخ ۶۷/۶/۲۳- بتلافی عملیات موفقیت آمیز مجاهدین در شهر هرات و حومهٔ آن، متجاوزین روسی و ایادی مزدورشان مناطق کرشک واوبه را مورد حملات هوائی و زمینی قرار داده که از تلفات جانی و مالی واردآمده اطلاع دقیقی در دست نیست، گزارش دیگری حاکیست:

طی یک عملیات موفقیت آمیز در منطقهٔ نمکسار هرات، مجاهدین فرقهٔ حضرت حمزه سید الشهداء (رض) موفق شدند (۲) عراده کامیون نفر بر متجاوزین و مزدوران دولت دست نشانده را به غنیمت بگیرند و تعدادی ازآنهاراکشته وزخمی نمایند.

ازتاریخ ۶۷/۶/۱۶- تا فعلاً جنگ ها و نبردهای عاشقانهٔ مجاهدین سلحشور و مقاوم ما در سراسر شهر هرات جریان دارد که مجاهدین ما موفق شدند کمربند اول باصطلاح امنیتی دشمن زبون را فتح و به تصرف خود درآوردند.

دولت مزدور بتلافی این عملیات مجاهدین دلیر، اطراف شهر را مورد حملات موشکی قرار داده که در نتیجهٔ آن دو تن از برادران مجاهد ما مجروح گردیدند.

گزارش دیگری حاکیست:

مجاهدین غند حضرت عمر فاروق (رض) طی عملیات موشکی که بالای ولسوالی شهرک انجام دادند، موفق شدند که دیپوی مهمات و سلاح های ولسوالی را به آتش کشیده و نیز طی یک کمین گیری ماهرانه (۴) عراده هشت سلندر روسی (کامیون نفربر) را منهدم نمودند.

بتاریخ ۶۷/۶/۲۳- مجاهدین امارت غوریان طی یک کمین گیری ماهرانه درمنطقهٔ

دو پشته یکعراده ماشین تویوتا و یکعراده تانک زرهی دشمن را منهدم نمودند .
بتاریخ ۶۷/۶/۲۳ - به اثر راهبندی ماهرانهٔ مجاهدین لشکر حضرت حمزه (رض) در منطقهٔ ادرسکن در مسیر شاهراه هرات کابل یک عراده تانک روسی منهدم و (۶) تن از منجاوزین روسی بهلاکت رسیدند .
همچنان مجاهدین جانبرکف ، بتاریخ ۶۷/۶/۲۵ - لولهٔ نفت بین شاهراه هرات قندهار را منهدم و طعمهٔ حریق نمودند .
مجاهدین پرتوان امارت غوریان بتاریخ ۶۷/۶/۲۶ - طی یک راهبندی شجاعانه درمنطقهٔ نمکسار هرات (۵) تن از ملحدین ملیشه ئی را با سلاح هـای دست داشتهٔ شان به اسارت گرفتند .
بتاریخ ۶۷/۶/۲۶ - به اثر بمبارد مانهای وحشیانهٔ روسهای سفاک و اشغالگر در منطقهٔ مرغز و شندلیان هرات ، دو تن از مجاهدین کفرستیز بدرجهٔ رفیع شهادت نایل و بلقاءالله پیوستند . (روحشان شاد و یادشان گرامی باد)
بتاریخ ۶۷/۶/۲۸ - طی یک عملیات پلان شده توسط محمد شریف جان قوماندان (فرمانده) غند (تیپ) حضرت شیخ پلانی بالای پسته های سید احمد منافق (مزدور) دولت دست نشانده ، موفق شدند یکتن از فرماندهان ملیشه ئی دولت مزدور را بنام (حسین ملدار) بهمرای یکتن دیگر از افرادش بقتل برسانند و به تعداد سه میل (قبضه) کلاشنکوف ، یک میل ماشیندار (مسلسل) دو عراده موتورسیکلت ، سه عراده کامیون نفربر ، یکعراده تویوتا و یکعراده جیپ روسی فرماندهی را طعمهٔ حریق نمودند و جنگ شدیدی بالای پسته های متذکره ادامه دارد .
بتاریخ ۶۷/۶/۲۹ - طی یک پلان قبلی طرح شدهٔ دستگاه منفور (کا جی بی) به سازماندهی عبد الله (سوز) این منافق خود فروخته شده و درندهٔ زنجیری کمپ کمونیزم و الحاد در مسیر راه غوریان - برناباد ، درمنطقهٔ پل خشتی که قصد ترور مجاهد نستوه و همیشه در سنگر ، جگتورن محمد اسماعیل امیر عمومی حوزهٔ جنوب غرب جمعیت اسلامی افغانستان راداشتند ، بعد از درگیری مسلحانه ، برادر مجاهد و پاک طینت ما قاری خلیل احمد جان بدرجهٔ رفیع شهادت نایل آمد و درنتیجه (۲) تن از عناصر پلید و خاین کشته و ده تن دیگر به اسارت مجاهدین غیرتمند مـا در آمدند و عبد الله سوز منافق و پنج تن دیگربوسیلهٔ تانکهای دولت مزدور که با او همراه بودند ، از منطقه فرار نمودند .
بتاریخ ۶۷/۶/۳۰ - مجاهدین قهرمان فرقه (لشکر) حضرت حمزه (رض) درمنطقهٔ محل ساربانها طی عملیاتی ، موفق شدند یکعراده تانک زرهی رامنهدم و تمامی سرنشینان آن را بهلاکت برسانند .
گزارشها میافزاید که بتاریخ ۶۷/۷/۱ - مجاهدین غند (تیپ) شیخ پلانی لشکر سید الشهداء (رض) به فرماندهی برادر قهرمان سید شریف جان در یک عملیات پلان شده ای بالای پسته های مزدوران دولت دست نشاندهٔ (سید احمد ملیشه) موفق شدند ، ده میل (قبضه) سلاح کلاشنکوف را به غنیمت بگیرند ، درین نبرد ، ده تن

بقیه درصفحهٔ (۷)

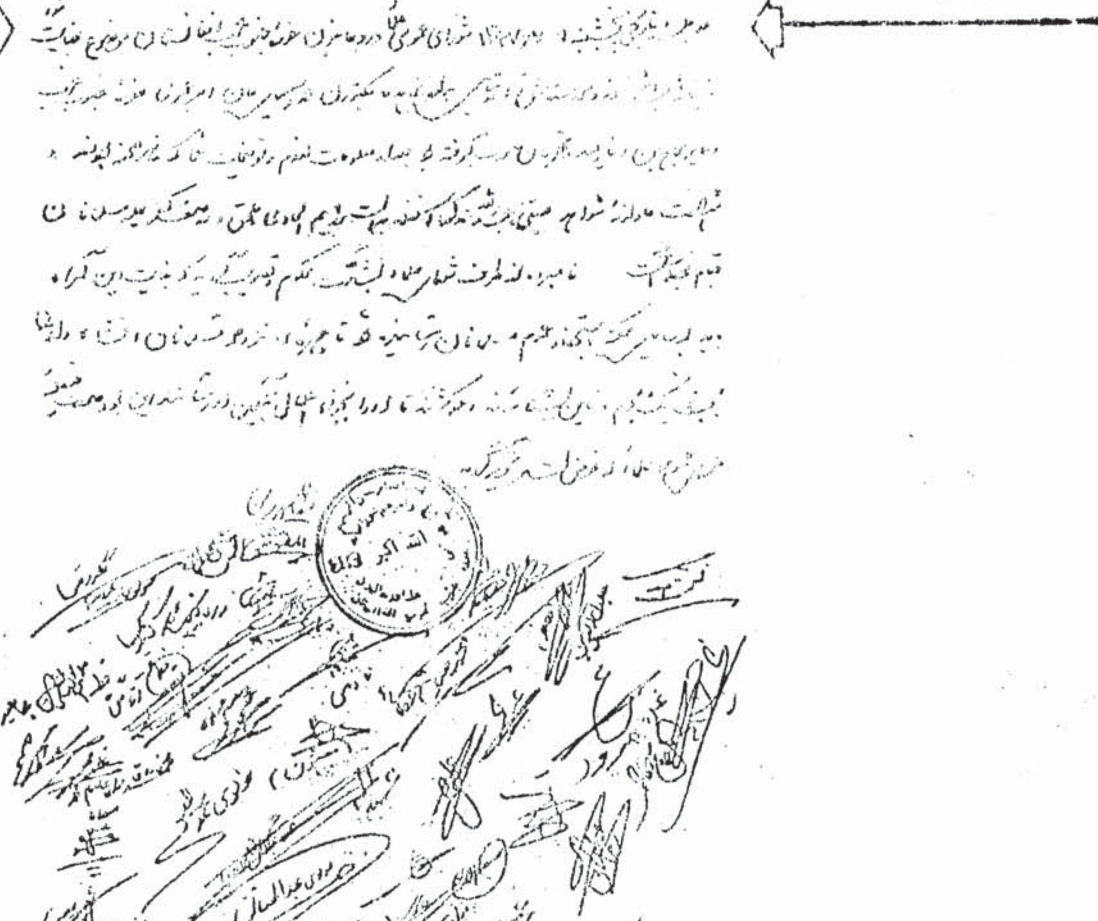
افشای چهره های خائنین

همانطوریکه مجاهدین سربکف ، مهاجرین داغدیده وانصار گرامی مطلع اند بتاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۱ طی یک پلان طرح شده ای دستگاه منفور K.G.B به سازمانده‌ی "عبدالله سوز" منافق ، این مزدور خود فروخته که قصد ترور مجاهد نستوه وخستگی ناپذیر جگتورن محمد اسمعیل امیر عمومی حوزه جنوب - غرب جمعیت اسلامی افغانستان را داشتند ، بعد از درگیری مسلحانه یکتن از مجاهدین دلیر وباشهامت بنام قاری خلیل احمد جان بدرجه رفیع شهادت نایل آمد .

درنتیجه سه تن از عناصر پلید وخاین کشته وده تن دیگر باسارت مجاهدین درآمدند و عبدالله سوز منافق باپنج تن دیگر وسیله تانک های دشمن از منطقه فرار نمودند .

بدینمناسبت شورای علماء وروحانیون حوزه جنوب غرب افغانستان صورت جلسه ایرا بـه اداره مجلـه توحید سنگر ارسال داشتند که ذیلا تقدیم خوانندگان گرامی میگردد .

بسم الله الرحمن الرحیم



پروفسور برهان الدین «ربانی»

ملت مجاهد ما در مبارزه و پیکار بی باکانه اش احساس خستگی نکرده و طولانی شدن

هرچه بیشتر انقلاب اسلامی را به کوتاهی عمر کفر و کمونیزم دانسته، بدفهمند و

با جهت به پیش میرود.

جگتورن محمد اسماعیل

ما نه تنها برای افغانستان می رزمیم، ما آرزو داریم

که افغانستان مهد و گهوارهٔ نجات برای مستضعفین

جهان بگردد.

راست قامتان ، چراغ هدایت و نور شهامت اند

اشعه زرین خورشید پائیزی ، بر آسمان خون گرفته هرات ، نور افشانی میکرد مردان باشهامت و [illegible] دلیر آن مرز و بوم ، برای حفظ این شهر معنوی ، بر دشت های آزاد شده آن ، در کنار آبادی های شهر دیوانه وار شتافتند و [illegible] بگردند و بر وطن فروشان و خود باختگان می اندیشیدند ، در همان [illegible] خورشید زرین پائیزی [illegible] ابرهای سیاه وحشت از فراز پوشانید و غبار تیره وحشت [illegible] وطن [illegible] رسید ، در همین هنگام بود که گردان مجاهد چراغان راه هدایت از غوریان [illegible] آزاد شده [illegible] این شهر تاریخی در باستان [illegible] در حرکت بود [illegible] در میان دشت [illegible] و خود فروختگان [illegible] دلیر مجاهد که چون غازی [illegible] برخاستند [illegible] استوار باشند ، [illegible] :

گر نگهدار من آنست که من میدانم
شیشه را در بغل سنگ ، نگهمیدارد

بلی : با [illegible] ، [illegible] در راست قامتان جاودانه تاریخ هرات تا ابد [illegible] خداوند [illegible] تیرهای [illegible] به باد فنا میرود و در نتیجه پایان شوم [illegible] اندیشان تاریخ در سیاه نامه ایشان ثبت گردیده و سیه روی میشوند و راست قامتان جاودانه تاریخ بر شاهراه [illegible] چراغ هدایت و نور شهامت شناخته میشوند .

[illegible]

